



قانونی ساختن سرکوب

بررسی قانون جدید مجازات اسلامی ایران

HUMAN
RIGHTS
WATCH



قانونی ساختن سرکوب

بررسی قانون جدید مجازات اسلامی ایران

تمام حقوق محفوظ است
نشر شده در ایالات متحده امریکا
شماره: 1-56432-936-4
طرح جلد از رافایل جیمینز

دیده بان حقوق بشر متعهد به دفاع از حقوق انسان ها در سراسر جهان است و تلاش می کند که با جلوگیری از تبعیض و دفاع از آزادی های سیاسی یکجا با قربانیان و فعالان حقوق بشر از مردم در برابر رفتار های غیر انسانی در زمان جنگ حفاظت کند و مجرمین را به پنجه عدالت بسپارد. دیده بان حقوق بشر با بررسی و افشاء موارد نقض حقوق بشر مسببین آن را پاسخگو می داند و دولت ها و قدرتمندان را به چالش می کشد که به اعمال تبعیض گرایانه خود خاتمه داده و قانون بین المللی حقوق بشر را محترم بشمارند. ما از مردم و جامعه جهانی می خواهیم از اساس حقوق بشر برای همگان پشتیبانی کنند.

دیده بان حقوق بشر یک سازمان بین المللی است که در بیش از چهل کشور فعالیت داشته و دفاتر آن در آمستردام، بیروت، برلین، بروکسل، شیکاگو، ژنو، گوما، جوهانسبورگ، لندن، لوس آنجلس، مسکو، نایروبی، نیویورک، پاریس، سانفرانسیسکو، توکیو، تورنتو، تونس، واشنگتن دی سی و زوریخ باز می باشد.

لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر از وبسایت ما: www.hrw.org بازدید کنید.

قانونی ساختن سرکوب بررسی قانون جدید مجازات اسلامی ایران

- خلاصه 1
- توصیه ها 4
- به دولت ایران 4
- I. پیش زمینه 6
- II. تعهدات بین المللی ایران 9
- حق حیات 9
- حق آزادی و امنیت 10
- حفاظت در برابر شکنجه و رفتار های بیرحمانه، غیرانسانی و اهانت آمیز 10
- حق حریم خصوصی 11
- حق برخورداری از «دادرسی عادلانه» 12
- تهیه و تدوین قوانین کیفری 12
- عدم تبعیض و حقوق اساسی 12
- آزادی بیان، اجتماعات و انجمن ها 13
- III. مجازات مرگ برای مجرمین کودک 15
- سن مسئولیت کیفری تا هنوز برابر با سن بلوغ است 17
- لغو مجازات اعدام برای «جرائم تعزیری» 17
- مجازات اعدام برای جرائم دیگر حفظ شده است 17
- IV. مجازات مرگ برای رفتار حفاظت شده و یا جرائم غیر جدی 19
- زنا 19
- لواط و مساحقه 20
- مسكرات (شراب نوشی) 21
- توهین به پیامبر 21
- سایر جرائم «حدود» 21
- مجازات سختگیرانه برای جرائم مرتبط با مواد مخدر 22

۷. فروگزاری در تعیین قوانین مربوط به مجازات های جدی از جمله مرگ 24
- سنگسار 25
- ارتداد 26
- «علم قاضی» 27
۱۷. مقررات مبهم و بیش از حد کلی 28
- که حق استفاده از حقوق اساسی را جرم می داند 28
- ماده جدید «محاربه» 29
- ماده جدید «بغی» 30
- ماده جدید «افساد فی الارض» 30
- قوانین جنجال برانگیز امنیت ملی ثابت مانده است 31
۷۱. مجازات هایی که برابر با شکنجه اند 33
۱۱۱۷. قوانین تبعیض گرایانه 35
- تقدیر و تشکر 37

خلاصه

در ژانویه 2012، شورای نگهبان، یک مجمع غیرانتخابی شامل 12 عضو فقیه و حقوقدان که مسوولیت بررسی همه قوانین ایران را به منظور حصول اطمینان از انطباق آنان با قانون اساسی ایران و شریعت یا قانون اسلامی به عهده دارد، متن نهایی قانون اصلاح شده مجازات اسلامی را تصویب کرد. در حالی که هنوز رییس جمهور محمود احمدی نژاد لایحه مذکور را امضاء نکرده است، مقامات ایرانی از اصلاح قانون مجازات اسلامی، که شامل بیش از 737 ماده و 204 تبصره است و مسایل مختلف اعم از قلمرو اجرایی قوانین (صلاحیت قضایی) تا کاربرد و اجرای مجازات را در بر می گیرد، به عنوان مجموعه ای جدید و بهبود یافته قوانین یاد کرده و بارها از آن به عنوان و نمونه ای از تلاش جدی دولت برای تطابق قوانین ایران با تعهدات بین المللی آن کشور در قبال حقوق بشر ذکر کرده اند.

با این همه، بسیاری از مواد مشکل ساز قانون مجازات قدیمی بدون تغییر باقی مانده و برخی از اصلاحات در حقیقت حقوق مجرمین و متهمین جنایی را تضعیف می کند. احکام جدید در بسیاری از موارد از نگرانی های جدی ای که در ارتباط با شدت تنبیهات کیفری و قانونی بودن آنان مطابق با قوانین بین المللی وجود دارد چشم پوشی می کند. برخی از مواد این قانون که مقامات ایرانی از آن به عنوان شاخص های پیشرفت یاد کرده اند، در واقع به قضات اختیارات گسترده ای در صدور مجازات می دهد که به وضوح حقوق متهم را نقض می کند.

این درست است که قانونگذاران ایرانی در برخی از موارد محدود قانون مجازات جدید را بهبود بخشیده اند. به طور نمونه، یکی از مواد جدید مجازات مرگ را برای مجرمین کودک (یعنی هرکسی که مرتکب جرم زیر 18 سال شود) در صورتی که شریعت برای آن جرائم مجازات خاص و یا مشخصی را تعیین نکرده باشد لغو می کند. قانون جدید اقدامات تامینی و تربیتی را به عوض زندان و سایر مجازات خشن برای کودکان توصیه می کند و نسبت به قانون قبلی دستور العمل های بیشتری را در مورد صدور حکم تنظیم می کند.

با این حال، مطابق با مواد جدید قانون مجازات اسلامی «جرائم تعزیری» که اکثریت قریب به اتفاق جرائم امنیت ملی ایران شامل آن می گردد و دادگاه های انقلاب مطابق به آن مخالفان سیاسی را محاکمه و به اعدام محکوم می کنند، در اکثر موارد بدون تغییر باقیمانده اند.

به علاوه، در میان بسیاری از کاستی های دیگر، این قانون مجازات اعدام را، از جمله برای مجرمین کودک، تحت شرایط خاص محفوظ می دارد. همچنین این لایحه از تدوین مواد جدید برای جرائمی که مجازات های سنگین، از جمله اعدام، برای آنان در نظر گرفته شده است، عاجز مانده است، به جای آن در این لایحه از قوانین و اصطلاحات مبهم امنیت ملی استفاده شده که حقوق اساسی افراد را جرم می داند؛ و مجازات های مانند سنگسار، شلاق، قطع اعضای بدن که از جمله موارد شکنجه و رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز به حساب می آیند را حفظ کرده است. در متن اصلاح شده، مواد تبعیض آمیزی که در متن قبلی علیه زنان و اقلیت های مذهبی وجود داشت، باز هم باقی مانده است.

برخلاف اظهارات مکرر مقامات ایرانی مبنی بر اینکه قانون مجازات جدید، اعدام کودکان زیر 18 سال را ممنوع کرده است، این قوانین مجازات اعدام کودکان را تحت شرایط خاص اجازه می دهد. بر اساس قانون جدید، کودکانی که مرتکب «جرائم تعزیری» شوند، از این به بعد به اعدام محکوم خواهند شد و به جای آن دادگاه ها آنان را در صورت مقصر شناختن به ارتکاب جرائم تعزیری، به اقدامات تامینی و تربیتی محکوم خواهند کرد. این امر به

معنی آن است که اعدام کودکان، برای ارتکاب جرائمی مانند داشتن و قاچاق مواد مخدر که مطابق با قوانین سخت گیرانه مبارزه با مواد مخدر ایران می تواند حکم اعدام داشته باشد، کاملاً ممنوع می گردد.

با این حال، قانون جدید به صراحت سن مسئولیت کیفری را سن بلوغیت قلمداد می کند که مطابق با قانون شریعت و فقه در ایران، 9 سال برای دختران (8 سال و نه ماه مطابق با تقویم شمسی) و 15 سال برای پسران (14 سال و هفت ماه مطابق با تقویم شمسی) می باشد. بنابراین، قاضی ممکن است هنوز هم یک دختر جوان 9 ساله و یک پسر جوان 15 ساله را به جرم «حدود» و یا جرائمی که موضوع جرم آن عدالت کیفری، مانند لواط و قتل، باشد در صورتی که قاضی تعیین کند که کودک ماهیت و عواقب جرم و جنایت مرتکب شده را می دانست به مرگ محکوم کند.

مانند قانون مجازات قبلی، اصلاحات جدید برای فعالیت هایی که نباید جرم تلقی گردند و از جمله «جدی ترین» جنایات در قوانین بین المللی (یعنی آن جرائمی که در قوانین بین المللی مجازات مرگ دارند) محسوب نمی شوند، مجازات اعدام را در نظر گرفته است. همچنین این قانون روابط جنسی مبتنی بر رضایت طرفین را که خارج از چارچوب ازدواج و یا براساس علائق همجنس گرایی صورت گیرد مانند زنا و لواط، جرم می داند و مجازات مرگ را برای آن تجویز می کند. سایر جرائمی که در قانون جدید قابل اعدام تعریف شده اند عبارت اند از داشتن و یا فروش مواد مخدر، توهین به حضرت محمد (ص)، فاطمه دخترش، و یا هر یک از امامان 12 گانه شیعیان.

یکی از موارد نقص جدی قانون جدید این است که به قضات اجازه می دهد تا با تکیه بر قوانین غیر مدون افراد را محکوم و مجازات کنند. به عنوان مثال، بر خلاف قانون قبلی، اصلاحیه های جدید به صراحت به قضات اجازه می دهد تا با تکیه بر منابع مذهبی، از جمله شریعت و فتوای روحانیون مراجع بالای دینی شیعی، یک فرد را به ارتداد و یا یک فرد متهم به زنا محصنه را به سنگسار محکوم کند. درست است که در قانون جدید جرم ارتداد وجود ندارد و حکم سنگسار به عنوان یکی از انواع مجازات از آن حذف گردیده است و همچنین تعداد افرادی که اخیراً به سنگسار و یا ارتداد محکوم شده اند، بسیار کم است، اما با آن هم لایحه جدید چنین مجازاتی را کاملاً ممنوع نمی کند.

همچنین این قانون به قضات اجازه می دهد که بر «علم خود» نه تنها برای حل و فصل مسائل مربوط به قوانین، بلکه برای تعیین مسائل مربوط به اسناد و شواهد نیز تکیه کنند. قضات اغلب بر اساس قانون قبلی از موجودیت این ماده سوء استفاده می کردند و برای اثبات جرم و بی گناهی افراد به این گونه اسناد و شواهد، از جمله اعترافات متهمین که از طریق شکنجه های فیزیکی و فشارهای روانی شدید اخذ گردیده بودند، استناد می جستند. به علاوه، قضات بر اساس موجودیت این ماده در قانون قبلی، معیارهای دادرسی غیرمدون شریعت را در دادگاه ها معرفی می کردند تا گناه و بی گناهی افراد را تعیین کنند. با آن هم تا کنون روشن نیست که قانون جدید که «علم قاضی» را به عنوان یک اصل حقوقی معرفی می کند آیا استفاده از معیارات غیر مدون شریعت را برای اثبات جرم مجاز می داند و یا نه.

یکی از نگرانی های خاصی که در اصلاحات بوجود آمده در قانون جدید وجود دارد مربوط به ماده 287 می شود که متهم به جرم افساد فی الارض (یعنی کسی که سبب اشاعه فساد و یا فحشا بر روی زمین گردد) را به مجازات مرگ محکوم کند. قانونگذاران تا حد زیادی تعریف این جرم را گسترش داده اند؛ در قانون قبلی، این جرم تا حد زیادی شامل افرادی می شد که در گیر جنگ مسلحانه با دولت و یا متهم به اعمال تروریستی بودند؛ در لایحه جدید این ماده شامل مجموعه ای بدتعریف شده گسترده تری می شود، و فعالیت های مانند «نشر اکاذیب»، «دایر کردن مراکز فساد و فحشا و یا معاونت در آن»، «اخلال در نظام اقتصادی کشور»، به گونه ای که این اعمال موجب «اخلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی» گردد را در بر می گیرد. به علاوه، از آن جایی که این جرم «حدود» می باشد که شریعت برای آن مجازات مشخص و معینی را تجویز کرده است، قضات (و حتی رهبر

جمهوری اسلامی ایران) در مجموع در موقعیتی نیست که بتواند مجرم را عفو و یا تقاضای تخفیف مجازات را، برخلاف قوانین بین المللی، برای وی بکند.

براساس قانون فعلی، مقامات دست کم 36 نفر را از ژانویه 2010 تا کنون به اتهام «محرابه» و «افساد فی الارض» ظاهراً به دلیل ارتباط آنان با گروه‌های مسلح تروریستی اعدام کرده اند. دست کم 28 زندانی کرد به اتهام های مختلف مربوط به امنیت ملی، از جمله «محرابه» منتظر اعدام هستند. دیده بان حقوق بشر معتقد است که در بسیاری از این موارد مقامات قضایی ایران افراد را صرفاً به دلیل فعالیت های سیاسی آنان محکوم، زندانی و یا اعدام کرده اند و نه به دلیل آن که آنان مرتکب اعمال تروریستی شده اند.

قانون مجازات جدید از اصلاح موارد بیش از حد مبهم و گسترده قوانین امنیت ملی که دولت بر اساس آن افراد را تنها به دلیل استفاده از حق آزادی بیان، اجتماعات و انجمن ها محکوم به مجازات شدید می کند فروگزاری کرده است. دادستانها و دادگاه های انقلاب به شکل سیستماتیک از این قوانین برای سرکوب، اذیت و آزار، زندانی ساختن، ساکت کردن منتقدان و مخالفان سیاسی استفاده می کنند.

دو عیب جدی دیگر در این قانون جدید عبارت اند از حفظ تنبیهات فیزیکی از جمله شلاق زدن که یکی از موارد شکنجه و رفتار ظالمانه، تحقیر آمیز و غیر انسانی به حساب می آید و حفظ مواد تبعیض آمیز علیه زنان و اقلیت های مذهبی به خصوص در بخش اجرای مجازات، جبران خسارات، و ارائه شواهد در دادگاه ها می باشند. به طور نمونه، از جمله مواد تبعیض آمیز این قانون برخورد دوگانه آن با پسران و دختران در رابطه با سن بلوغ و پیامد های آن در رابطه با مسئولیت های کیفری و تجویز مجازات های شدیدتر برای متهم غیر مسلمان (از جمله اعدام) به دلیل رابطه جنسی که مبتنی بر رضایت طرفین باشد هستند.

بررسی قانون مجازات جدید ایران به وضوح نشان می دهد که مجلس ایران با تصویب لایحه قانون مجازات جدید از بازنگری در مورد مواد این قانون که باعث نگرانی جدی حقوق بشر و اجرای عدالت در آن کشور اند فروگزاری کرده است. با توجه به این کاستی ها، دیده بان حقوق بشر از دولت ایران می خواهد که تطبیق مواد کلیدی این لایحه جدید را که باعث نقص حقوق متهمان جرائم کیفری می شود به حالت تعلیق در آورده و به عوض آن، قوانین جدیدی که با تعهدات بین المللی آن کشور همخوانی داشته باشند تصویب کنند.

توصیه ها

به دولت ایران

- حذف همه موادی که به مجازات اعدام در لایحه جدید اشاره دارد و لغو استفاده از مجازات اعدام.
- لغو کامل و فوری مجازات اعدام برای مجرمین کودک، از جمله برای جرائمی که هنوز هم دادگاه ها می توانند برای آنان مجازات اعدام صادر کنند (مانند جرایم «حد» و «قصاص»).
- لغو مجازات اعدام برای همه جرائمی که مطابق با قوانین بین المللی حقوق بشر از جمله جرایم «جدی» (یعنی جرائمی که در قوانین بین المللی دارای مجازات اعدام هستند) محسوب نمی شوند، از جمله در داشتن و قاچاق مواد مخدر.
- لغو همه ماده هاسی که استفاده از حقوق ابتدایی را جرم تلقی می کند، مانند حق احترام به حریم خصوصی افراد که این حق شامل برقراری روابط جنسی که مبتنی بر رضایت طرفین باشد و اگر خارج از چارچوب ازدواج صورت گیرد نیز می شود.
- اصلاح قانون مجازات به گونه ای که مواد آن از لحاظ جنسیتی در مواردی مانند تجاوز به عنف خنثی بوده و در روابط زناشویی تجاوز به عنف را نیز جرم تلقی کنند.
- اطمینان حاصل کنند که همه موادی که فعل یا ترک فعلی را جرم تلقی می کنند، از جمله جرائمی که مجازات مرگ را به دنبال دارند، در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین به شکل منظم تدوین شوند (به این معنی که قوانین فوق فعل و یا ترک فعل را به وضوح تعریف، مجازات آن را مشخص و عناصر تشکیل دهنده جرم را تعیین کنند، تا یک شهروند عادی بتواند تشخیص دهد که اعمال او جرم می باشد یا خیر).
- حذف و اصلاح آن مواد قانون مجازات اسلامی که به قاضی شرع اجازه می دهد تا افراد را در مواردی مانند روابط همجنس گرایانه، صرفاً براساس علم خود که متکی بر روش های سنتی است و او را قادر می سازد تا بر شواهد شکننده ضمنی، به جای شواهد اثبات کننده و یا برائت دهنده جرم (inculpatory یا exculpatory) که متهم و وکیل مدافع او می تواند آنان را مورد نقد و بررسی قرار دهند، برای اثبات جرم تکیه کند.
- لغو یا اصلاح مواد مبهم و بیش از حد گسترده موجود در قانون مجازات اسلامی مانند «محاربه» و یا «افساد فی الارض».
- ارائه تعریف دقیق و مشخص از تمام افعالی که مطابق با این ماده ها جرم تلقی می گردند، از جمله ارائه تعریف دقیق از «مرکز فساد»، تا اطمینان حاصل شود افعالی توسط قوانین بین المللی محفوظ شناخته شده اند، مانند آزادی بیان و تشکیل اجتماعات، بر اساس این ماده ها جرم تلقی نگردند.
- حذف مجازات اعدام برای این جرائم، و نقطه آغاز آن نیز باید جرائمی باشد که براساس قوانین بین المللی از جمله جرائم «جدی» محسوب نمی شوند، مانند «نشر اکاذیب»، «اخلال در نظام اقتصادی کشور»، «دایر کردن مرکز فساد و فحشا».
- اصلاح و یا لغو قوانین مبهم امنیتی در قانون مجازات که تحت عنوان «جرائم ضد امنیت ملی و بین المللی کشور» (یا قوانین امنیتی) آمده است (این قوانین به شکل وسیع در قانون جدید نیز حفظ شده است) و نیز سایر قوانینی که به دولت اجازه می دهد تا به شکل خودسرانه و برخلاف تعهدات حقوقی بین المللی آن کشور افراد را به دلیل بیان مسالمت آمیز عقاید سیاسی آنها با طرح ادعای به خطر افتادن «امنیت ملی» سرکوب و مجازات کنند، از جمله:
- ماده 498 قانون امنیت ملی، که ایجاد هر نوع گروهی که هدف آن «برهم زدن امنیت ملی» باشد را جرم می داند؛

- ماده 500، که مجازات سه ماه تا یک سال را برای شخصی که به جرم «تبلیغ علیه نظام در جمهوری اسلامی ایران و یا تبلیغ به نفع یک گروه و یا نهاد خاصی» محکوم شناخته شود تجویز می کند؛
- ماده 610، که «تجمع و تیانی علیه امنیت داخلی و یا بین المللی کشور و یا ارتکاب چنین اعمال» را جرم تلقی می کند که مجازات آن 2 سال تا 5 سال می تواند باشد؛
- ماده 618، که «اخلال در نظم، آسایش و آرامش عمومی و یا جلوگیری از اشتغال مردم» را جرم قلمداد کرده و فرد محکوم به این جرائم را به 3 ماه تا یک سال حبس، و تا 74 ضربه شلاق محکوم می کند؛
- ماده 513 قانون مجازات، که هرگونه «توهین» به هریک از «مقدسات اسلامی» و یا چهره های مقدس اسلام را جرم می داند که مجازات آن از یک سال تا 5 سال و در برخی موارد ممکن است این جرم مجازات مرگ را به دنبال داشته باشد؛
- ماده 514، که هرگونه «توهین» علیه آیت الله خمینی، رهبر قبلی و بنیانگذار جمهوری اسلامی، و آیت الله خامنه ای، رهبر فعلی جمهوری اسلامی، را جرم دانسته و برای آن مجازات شش ماه تا دو سال حبس را در نظر می گیرد؛
- ارائه تعریف دقیق از «امنیت ملی» و نقض موارد آن، تا این جرائم بی جهت مانع استفاده از حقوق تضمین شده بین المللی مانند آزادی بیان، انجمن ها و اجتماعات نشوند.
- حذف همه آن مواردی که «توهین» علیه چهره های مذهبی و رهبران دولتی را جرم می داند.
- حذف تمام آن مواردی که مجازاتی مانند سنگسار، شلاق زدن، کور کردن، و قطع اعضای بدن را که از جمله موارد شکنجه و رفتارهای بی رحمانه و تحقیر آمیز هستند اجازه می دهد.
- اصلاح قانون مجازات بر اساس تعریف پذیرفته شده شکنجه مطابق با ماده اول میثاق بین المللی ضد شکنجه، تا اطمینان حاصل شود که تمام اعمالی که از جمله موارد شکنجه و رفتارهای غیر انسانی و اهانت آمیز محسوب می شوند، غیر قانونی اعلام گردیده و مجازات ها نیز با در نظر گرفتن ماهیت عمیق این جرائم صادر گردند.
- حذف تمام مواردی که در بخش اجرای مجازات، جبران خسارات، استفاده از شواهد و اسناد در دادگاه ها علیه زنان و اقلیت های مذهبی (یعنی غیر مسلمانان) تبعیض آمیز اند، از جمله در مورد:
 - برخورد متفاوت با مردان (یا پسران) و زنان (یا دختران) در رابطه با سن مسئولیت کیفری؛
 - صدور مجازات متفاوت برای پدران و پدرکلان ها برای قتل فرزندان و نوه ها؛
 - در نظر گرفتن مجازات متفاوت برای شوهرانی که موجب قتل همسران خود شوند؛
 - در نظر گرفتن خسارات متفاوت دیه برای مردان و زنانی که در نتیجه یک عمل جرمی و دیوی متضرر شوند؛
 - ارزش دادن متفاوت به شهادت زن در مقابل مرد که شهادت زن دارای نصف شهادت مرد در دادگاه می باشد.

۱. پیش زمینه

قانون مجازات اسلامی، که در سال 1991 لازم الاجرا شد، از ترکیب چندین قانون مختلف تدوین شده است که مجازات و جبران خسارات در جرائم کیفری (و دیات) را تنظیم می کند. این قانون همراه با آئین دادرسی کیفری و قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، بدنه کلی قوانین اصلی و شیوه دادرسی در دادگاه های ایران را برای اجرای عدالت در جرائم کیفری تشکیل می دهد.

این قانون 729 ماده دارد که به پنج «کتاب» و یا بخش اصلی تقسیم شده است و شامل مواد کلی می شود که جرائم کیفری و مجازات آن را در چهار بخش خاص که مطابق با شریعت اسلامی تنظیم شده است تعریف می کند. چهار بخش مجازات عبارت اند از: الف) حد و یا حدود (شکل جمع حد) که مجازات آن، مانند شدت، نوع، میزان و تطبیق آن، توسط شریعت تعیین گردیده است؛ ب) قصاص و یا عدالت انتقامی که به جرائمی اطلاق می گردد که باعث مرگ و یا آسیب جانی افراد می شود، مانند قتل («قصاص نفس»؛ ج) دیه، جریمه نقدی یا پرداخت غرامت به قربانیان است که به شکل پول نقد برای جرائم غیر عمدی که باعث قتل افراد می شود، در صورتی که این گونه قتل در جمله جرایم قصاص قرار نگیرد، به «عنوان خون بها» به قربانیان پرداخت می شود؛ و د) تعزیر که عبارت از مجازاتی است که در شریعت برای ارتکاب آنان مجازات خاصی تعیین نشده است، اما گفته می شود که ارتکاب آن نقض مقررات حکومتی و یا محرمات شرعی به حساب می آیند.¹

انقلاب اسلامی سال 1979 آغاز گر عصر جدید حقوقی در ایران بود که منجر با بازنگری قوانین کیفری و نظام قضایی در ایران شد. تحت رهبری آیت الله خمینی، بنیانگذار رو اولین رهبر جمهوری اسلامی ایران، قانونگذاران پیش نویس قانون اساسی را تدوین کردند که مذهب شیعه دوازده امامی را مذهب رسمی کشور و فقه جعفری را به عنوان یکی از منابع قابل اجرا قوانین در کشور اعلام کردند. شورای انقلاب اکثریت قوانین موجود کشور، از جمله قانون مجازات قبل از انقلاب، را غیر اسلامی و باطل اعلام کرد. دادگاه های انقلاب در عدم موجودیت یک قانون مدون جزایی، از جمله قانون مجازات اسلامی که مطابق با شریعت باشد، بر مبنای تفاسیر خود از قانون شریعت دست به اجرای عدالت زدند. دادگاه ها صد ها فعال سیاسی را روانه زندان و افراد را ظاهراً به جرم ارتکاب محاربه («محاربه»)² و یا افساد فی الارض به اعدام محکوم کردند.

در سال 1982، قانونگذاران برای اولین بار قانون حدود و قصاص را تصویب کردند که اولین مجموعه قوانین جزایی آن کشور بعد از انقلاب بود. یک سال بعد، آنان قانون تعزیرات را برای یک دوره آزمایشی به مورد اجرا گذاشتند. در سال 1991، قانونگذاران این دو مجموعه مجزا را تحت عنوان قانون مجازات اسلامی توحید و با اجرا آن برای یک دوره آزمایشی پنج ساله (که بعداً برای پنج سال دیگر و بعد ده سال دیگر تمدید شد) موافقت کردند. در سال 1996، قانونگذاران بعضی از مواد قانون مجازات را بازنگری و کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی را تحت عنوان «تعزیرات» تصویب کردند. سه سال بعد آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب را تصویب کردند.

در سال 2007، قوه قضائیه پیش نویس اصلاحیه قانون مجازات اسلامی را برای تصویب نهایی قانون مجازات که دوره آزمایشی آن قرار بود در مارس 2012 به پایان برسد ارائه داد. در سال 2008، کمیته حقوقی مجلس اصلاحات کلی قانون جدید را تایید کرد و در دسامبر 2009، مجلس با تایید کلی قانون جدید آن را به شورای

1 قوانین شرعی در مجموع این مفهوم را تداعی می کند که مسایل مورد بحث در قرآن و یا حدیث، یا گفتار حضرت محمد، وجود دارد. اما در جرائم تعزیری، دولت در تعریف جرم و عناصر آن عموماً دست آزاد داشته و مجازات آن را تعیین می کند.

2 جرم «محاربه» یکی از جرائم خاص در میان جرائم «حدود» می باشد که شریعت برای آن مجازات خاص و معینی را تجویز کرده است. دادستان ها معمولاً از این اتهام علیه کسانی استفاده می کند که با گروه های تروریستی و مسلح در ارتباط اند.

نگهبان، یک مجمع غیر انتخابی شامل 12 عضو فقیه و حقوقدان که مسئولیت بررسی همه قوانین را جهت انطباق آنان با قانون اساسی و شریعت اسلامی به عهده دارد، جهت تصویب نهایی تسلیم کرد. بعد از تبادل دو بار این قانون میان این دو مجمع، سرانجام شورای نگهبان متن نهایی لایحه مجازات اسلامی را در 28 ژانویه 2012 تایید کرد.

برای آن که قانون مجازات جدید لازم الاجرا شود، رئیس جمهور، احمدی نژاد، باید آن را امضاء و توشیح کند و قانون جدید باید در یکی از مجلات رسمی کشور منتشر شود.³ با این حال، احمدی نژاد تاکنون قانون جدید را امضاء نکرده است. در صورتی که وی آن را امضاء کند، قانون جدید برای یک دوره آزمایشی سه ساله به اجرا گذاشته خواهد شد. در آوریل 2012، آیت الله صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه ایران، اعلام کرد که تا توشیح قانون جدید، وی به مسئولین قضایی فرمان داده است که قانون قبلی را تطبیق کنند و اظهار امیدواری کرد که احمدی نژاد قانون جدید را هرچه زودتر امضاء کند.

در فرآیند تدوین و تایید این قانون جدید، مقامات ایرانی به طور مداوم از مفاد این قانون به عنوان نمونه تلاش های جدی آن دولت برای انطباق قوانین آن کشور با معیارات بین المللی حقوق بشر یاد کردند. به طور مثال، در نوامبر 2011، در جریان بررسی دو روزه سابقه حقوق بشر ایران توسط کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، نماینده هیئت ایران بارها به اصلاحات قانون جدید به عنوان درمان نگرانی های متعدد آن کمیته در مورد مواد مشکل ساز قانون قبلی یاد کرد.

در فوریه 2012، سخنگوی کمیته قضایی و حقوقی مجلس، امین حسین رحیمی، به خبرنگاران گفت که براساس اصلاحات جدید، سن مسئولیت کیفری به 18 سال افزایش یافته است و قانون اجازه نخواهد داد افرادی که مرتکب جرائم قصاص قبل از سن 18 سالگی شوند محکوم به مجازات اعدام شوند. در طی چند ماه آینده، رحیمی و مسئولین ایرانی و اعضای مجلس بارها از بهبودهای بوجود آمده در قانون مجازات جدید حرف زدند، آنان از حذف مجازات سنگسار برای زنان محصنه، فقدان ماده ای در مورد جرم ارتداد (که مطابق با شریعت مجازات آن مرگ می باشد)⁴ و معرفی کافی مواد جدید برای اقدامات تامینی و تربیتی برای پسران و دختران (که مرتکب جرم زیر 18 سال شود) و مجازات سبک برای جرائم تعزیری در قانون مجازات جدید یاد کردند.⁵

مسئولین همچنین با اشاره به مواد جدید قانون که دسته بندی واضح تری در مورد مجازات تعزیری ارائه می دهد مانند مجازات بیشتر از 25 سال (که سنگین ترین نوع مجازات تعزیری در قانون جدید می باشد) تا حبس 3 ماه (که سبک ترین نوع مجازات تعزیری در قانون می باشد) به عنوان بهبودهای چشم گیر در قانون جدید یاد کردند. دسته بندی های متفاوت مجازاتی که در این قانون آمده است همچنین شامل انواع مجازات دیگر، مانند مجازات نقدی، مصادره اموال⁶، و شلاق زند⁷ می شود.

3 براساس گفته مسئولین دولتی، قانون جدید شامل 1200 ماده خواهد بود، چندین قانون دیگر از جمله قانون جرائم رایانه ای که تا به حال ضمیمه این قانون نشده است، به آن پیوست خواهد شد. خبرگزاری دانشجویان ایران، «مصاحبه با قربانی در بازه اصلاحات قانون مجازات اسلامی»، 20 فوریه 2012، قابل دسترس در <http://old.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1952901&Lang=P>.

4 در جریان تدوین قانون جدید، تعدادی از مسئولین تلاش زیاد کردند که به خصوص جرم «ارتداد» که قابل مجازات در شریعت است، را شامل یکی از مواد قانون جدید مجازات اسلامی نکنند. اما سرانجام، در قانون تصویب شده جدید مانند قانون قبلی هیچ اشاره ای به جرم «ارتداد» نشده است.

5 همان

6 ماده 23 یک سری مجازات دیگر را تحت عنوان «مجازات های تکمیلی و تبعی» مشخص می کند که قاضی می تواند افرادی را که مرتکب جرائم حد، قصاص و یا تعزیری شده باشد به علاوه مجازات اصلی به این مجازات محکوم کند. این مجازات شامل تبعید، منع اشتغال، مسافرت، و شرکت در فعالیت های سیاسی و اجتماعی می شود.

با وجود این پیشرفت های موعود شده، قانون مجازات اصلاح شده در بسیاری موارد، بی اعتنائی دولت ایران را یک بار دیگر در قبال حقوق متهمان و محکومان نشان می دهد. در چندین مورد بی نهایت مهم، این قانون یک عقب نشینی نگران کننده ای را در مورد آن عده حقوق محدودی که در قانون قبلی برای متهمان وجود داشت ایجاد کرده است. ادعای رحیمی مبنی بر تطابق سن مسئولیت کیفری با معیارات حقوق بین المللی در قانون جدید کاملاً نادرست است و ادعای دیگر او که قانون جدید «مجازات قصاص» (یا اعدام) را برای اطفال که مرتکب قتل شده باشند ممنوع می کند نیز نادرست می باشد. عین موضوع در قسمت سایر ادعاهای رسانه های ایرانی صادق می باشد که با وقاحت اعلام می کردند که قانون جدید مجازات سنگسار را ممنوع می کند.

جدی ترین مشکلات در قانون مجازات جدید عبارت اند از:

- (1) حفظ مجازات اعدام برای مجرمین کودک؛
- (2) حفظ مجازات اعدام برای جرائمی که براساس قوانین بین المللی از جمله جرائم «جدی» محسوب نمی شوند؛
- (3) عدم تدوین قوانین لازم در ارتباط با مجازات های سنگین مانند اعدام؛
- (4) کاربرد کلمات عام و مبهم برای تعریف جرائم امنیت ملی که استفاده از مبادی اصلی حقوق بشر را جرم قلمداد می کند؛
- (5) ادامه استفاده از مجازات هایی که شکنجه و یا از جمله رفتارهای بی رحمانه، تحقیر آمیز و غیر انسانی به حساب می آیند مانند سنگسار، شلاق زدن و قطع اعضای بدن؛ و
- (6) حفظ مواد تبعیض آمیز قبلی علیه زنان و اقلیت های مذهبی در ارتباط با اجرای مجازات، قصاص و دیات، و ارائه شواهد در دادگاه.

با این حال، قانون مجازات جدید چند دستاورد محدود نیز دارد، اما موادی که در بالا به آن اشاره شد باعث می شود که ایرانیان از مبادی اصلی حقوق خود که مطابق با قوانین بین المللی برای آزادی های اساسی انسان، و ارستگی از مجازات های خشن و بی رحمانه و خودسرانه، و زندگی عاری از تبعیض لازم است محروم شوند. دولت ایران باید فوراً اجرای این قوانین را باطل اعلام کند، و بازنگری آن را به منظور تطابق آن با تعهدات بین المللی آن کشور در دستور کار خود قرار دهد.

7 براساس قانون مجازات قبلی و جدید، مجازات شلاق زدن بر زندانی مرد قابل اجرا است به گونه ای که او ایستاده بوده و لباس برتن نداشته باشد (به استثنای شرمگاه او که باید پوشیده بماند). شلاق نباید صورت و شرمگاه مرد را نشانه بگیرد. زنان باید با لباس در حالت نشسته و ... شلاق بخورند.

II. تعهدات بین المللی ایران

حق حیات

ماده 6 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می دارد که «در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، این مجازات باید صرفاً برای جدی ترین جرائم و آنهم مطابق با قانون حاکم در زمان ارتکاب آن جرم در آن کشور در نظر گرفته شود.»⁸ کمیته حقوق بشر، نهادهای که صلاحیت تفسیر این میثاق را دارد، گفته است که مجازات اعدام باید «یک امر کاملاً استثنایی باشد».⁹ این میثاق همچنین می گوید که «شخص محکوم به اعدام حق دارد که برای تخفیف و عفو مجازات اعدام تلاش کند».¹⁰

مجازات اعدام نوجوانان مطابق با قوانین بین المللی ممنوع است و این ممنوعیت مطلق بوده و هیچ قید و شرطی ندارد. میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق کودکان به طور خاص اعدام افرادی را که در زمان ارتکاب جرم زیر 18 سال قرار داشته باشند ممنوع می کنند.¹¹ ایران در سال 1975 میثاق حقوق مدنی و سیاسی و در سال 1994 میثاق حقوق کودکان را تصویب کرد. بین سالهای 2007 تا 2009، مجمع عمومی سازمان ملل متحد دوبار از ایران به طور خاص درخواست کرد که به مجازات اعدام کودکان پایان دهد.¹²

علاوه بر این، کمیته حقوق بشر ملل متحد بارها تاکید کرده است که جرائم مربوط به مواد مخدر از جمله «جدی ترین جنایات» محسوب نمی شود.¹³ در سال 2007، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور اعدام های فراقضایی و خودسرانه در فشرده گزارش خود اظهار داشت:

8 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، به تاریخ 16 دسامبر 1996 توسط مجمع عمومی سازمان ملل مطابق با قطعنامه (XXI)، 2200A (1966)، 999 U.N.T.S. 171، 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 52، U.N. Doc. A/6316 (1966)، 52، U.N. Doc. A/6316 (1966)، 999 U.N.T.S. 171 تأیید و به تاریخ 23 مارس 1997 لازم اجرا شد. و کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، «تبصره کلی 6»، (شانزدهمین نشست، 1982)، تهیه و تدوین تبصره های کلی و توصیه های عمومی توسط نهاد حفظ تعهدات بین المللی سازمان ملل متحد، اسناد سازمان ملل، ماده 6، U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 6 (1994)، article 6.

10 همان، ماده 6(4).

11 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که به تاریخ 16 دسامبر 1996 توسط قطعنامه شماره 21، 2200A (XXI)، مجمع عمومی سازمان ملل تأیید و ماده 6 (5) توسط قطعنامه شماره 171، 999 U.N.T.S. 171، 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 52، U.N. Doc. A/6316 (1966)، 52، U.N. Doc. A/6316 (1966)، 999 U.N.T.S. 171 تأیید و به تاریخ 23 مارس 1973 لازم اجرا شد؛ میثاق حقوق کودکان، به تاریخ 20 نوامبر 1989 توسط مجمع عمومی سازمان ملل تأیید و (به تاریخ 2 سپتامبر 1990 لازم اجرا شد). ماده 37 (الف).

12 قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، 168/62، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، اسناد سازمان ملل متحد، A/RES/62/168، March 20، 2008. این قطعنامه از جمهوری اسلامی ایران خواست که «همان گونه که کمیته حقوق کودکان در گزارش ژانویه 2005 خود از شما خواسته بود، به اعدام افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر 18 سال قرار داشته است پایان دهید»؛ و در گزارش وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، مجمع عمومی «ضمن محکوم کردن افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر 18 سال قرار داشته اند، و جمهوری اسلامی برخلاف مسئولیت های بین المللی خود مطابق با ماده 37 میثاق حقوق کودکان، و ماده 4 و 6 میثاق حقوق مدنی و سیاسی و برخلاف اعلام های خود که مجازات اعدام نوجوانان را متوقف می کند» از دولت ایران به طور خاص درخواست نمود که به اعدام افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر 18 سال قرار داشته باشند پایان دهند، و به دستور العمل توقف مجازات اعدام نوجوانان، و مجازات اعدام توسط سنگسار متعهد بمانند، و با تبدیل این دستور العمل ها به قانون، به مجازات اعدام نوجوانان به طور کامل پایان دهند.

13 کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (8 ژوئیه 2005)، جمع بندی مشاهدات: تابلند، گزارش CCPR/CO/84/THA، پاراگراف 14؛ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد (29 اوت 2007)، جمع بندی مشاهدات: سودان، گزارش CCPR/C/SDN/CO/3، پاراگراف 19. برای مطالعه تحلیلی عمیقتر در مورد کاربرد مجازات اعدام در ارتباط با جرائم مواد مخدر، به گزارش عفو بین الملل نگاه کنید: اعتیاد به مرگ، دسامبر 2011، ص 16، قابل دسترسی در http://www.amnesty.org.nz/files/Iranreport_AddictedtoDeath_AmnestyInternational.pdf

نتیجه گیری که از بررسی دقیق و همه جانبه مسایل حقوقی همه ارگان های اصلی سازمان ملل متحد... می شود بدست آورد این است که مجازات اعدام تنها در صورتی باید تطبیق شود که جرم مورد نظر در محدوده کوچک جدی ترین جرائم قرار گیرد و اثبات گردد که عامل قصد کشتن داشته و این امر منجر به مرگ مقتول نیز شده است.¹⁴

در سال 2009، گزارشگر ویژه به کشورها یادآوری کرد که مطابق با قوانین بین المللی مجازات اعدام برای جرائم مرتبط با مواد مخدر باید لغو و حکم های صادره در این مورد به حبس تبدیل گردند.¹⁵ سایر مقاماتی که در این مورد ابراز نظر کرده اند، از جمله کمیسیون عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در بخش شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز، تاکید کرده اند که اعمال مجازات اعدام برای جرائم مرتبط با مواد مخدر قوانین بین المللی را نقض می کند.¹⁶ گزارشگر ویژه یادآوری کرد که به عقیده او «جرائم مواد مخدر در ردیف جدی ترین جرائم قرار نمی گیرد. بنابراین، اعمال مجازات اعدام برای مجرمین مواد مخدر حق حیات را نقض کرده و یک عمل تبعیض گرایانه بوده و احتمالاً... حق حیات و کرامت آمیز انسانی را نقض می کند».

در سال 2011، دبیر کل سازمان ملل متحد و گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران نگرانی خود را در رابطه با سطح بالای اعدام ها برای جرائم مواد مخدر ابراز داشتند. در اکتبر 2011، کمیته حقوق بشر سازمان ملل پیشنهاد کرد که مقامات ایرانی لغو مجازات اعدام را مدنظر قرار دهند و یا دست کم با اصلاح قانون مجازات اسلامی، موارد کاربرد این مجازات را تنها برای «جدی ترین جرائم» محدود کنند.¹⁷

حق آزادی و امنیت

ماده 9 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تاکید می کند که «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد.» ماده 9 همچنین «بازداشت خودسرانه» را ممنوع می کند و می خواهد که محرومیت از آزادی باید تنها «بر مبنای مطابق با قانون و مقررات آئین دادرسی صورت بگیرد.»

حفاظت در برابر شکنجه و رفتار های بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در مواد 7 و 10 همه اشکال شکنجه، و رفتار های بی رحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز را ممنوع می کند. ایران با آن که عضو میثاق منع مجازات شکنجه و سایر رفتار های بی رحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز نمی باشد، اما منع مجازات شکنجه در قوانین عرفی بین المللی مطلق بوده و از جمله

¹⁴ گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در رابطه با اعدام های فراقضایی، صحرایی و خودسرانه، فلیپ استون، 29 ژانویه

2007، اسناد سازمان ملل متحد، UN Doc. A/HRC/4/20, para. 53.

http://www.extrajudicialexecutions.org/application/media/A_HRC_4_20.pdf.

¹⁵ گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با اعدام های فراقضایی، صحرایی، و خودسرانه، فلیپ استون، شورای حقوق بشر، 29 می 2009، اسناد شماره A/HRC/11/2/Add.1, 188.

¹⁶ گزارشگر ویژه در این مورد گفت: «اعمال مجازات اعدام در ارتباط با جرائم مواد مخدر حق حیات را نقض کرده و یک عمل تبعیض گرایانه و احتمالاً ... حق حیات کرامت آمیز انسانی را نقض می کند.» گزارش گزارشگر ویژه در ارتباط با شکنجه، و سایر رفتار های بی رحمانه، غیر انسانی، ویا تحقیر آمیز، 14 ژانویه 2009، اسناد سازمان ملل A/HRC/10/44, para. 66.

¹⁷ دبیر کل سازمان ملل، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: یادداشت های دبیر سازمان ملل متحد، اسناد سازمان ملل A/66/374, 23 September 2011, <http://daccess-ddsnyun.org/doc/UNDOC/GEN/N11/512/18/PDF/N1151218.pdf?OpenElement>; The situation of human rights in the Islamic Republic of Iran: Report of the Secretary-General, A/66/361, <http://daccessddsny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/499/42/PDF/N1149942.pdf?OpenElement>.

نورم های اولیه قوانین عرفی بین المللی (*jus cogens*) محسوب می شود. شکنجه همچنین در قوانین ایران نیز ممنوع می باشد.¹⁸

ميثاق حقوق مدنی و سیاسی و ميثاق منع شکنجه با ذکر جزئیات وظایف دولت ها برای اجرای این ممنوعیت، می گوید که دولت ها موظف اند که در مورد شکنجه تحقیق، ناقضین آن را محاکمه و برای قربانیان آن در صورتی که تخطی صورت گرفته باشد خسارات بپردازند.¹⁹ کمیته حقوق بشر سازمان ملل همچنین تصریح می کند که وظیفه حفاظت مردم در مقابل شکنجه و رفتارهای غیر انسانی نه تنها دولت ها را ملزم می سازد که مردم را در مقابل اعمال مسئولین دولتی مانند پلیس محافظت کنند بلکه آنان را در مقابل اعمال افراد خصوصی نیز حفاظت کنند.²⁰

کمیته حقوق بشر یاد آور شد که مجازات شکنجه و یا رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی، و اهانت آمیز «نه تنها به اعمالی گفته می شود که باعث درد فیزیکی قربانیان شده، بلکه به اعمالی که باعث درد و رنج روانی قربانیان می شود نیز اطلاق می گردد».²¹ کمیته خاطر نشان ساخت که این ممنوعیت شامل تحمیل «تنبیهات فیزیکی، از جمله قراردادن بیش از حد محکوم در یک وضعیت عذاب به عنوان نوع مجازات، یا دستور آموزشی و یا اقدام انضباطی» نیز می شود.²² در ارتباط با غیر قانونی بودن مجازات تنبیهی، گزارشگر ویژه در مورد شکنجه به طور خاص گفت که این نوع مجازات حتی اگر بر مبنای قانونی که از دستورهای مذهبی نشئت گرفته باشد صادر شود نیز ممنوع است و افزود که «کشورهایی که قوانین مذهبی را اجرا می کند مجبور اند که این قوانین را طوری صادر کنند که از تطبیق ... تنبیهات بدنی در عمل اجتناب شوند».²³

حق حریم خصوصی

ماده 17 ميثاق بين المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می دارد، «حریم خصوصی هیچ کس نباید به شکل خودسرانه و غیرقانونی مورد مداخله قرار بگیرد» و هرکس حق دارد «در مقابل این تعرضات و دخالتها از حمایت قانون برخوردار شود».²⁴ این حق «آن بخش از زندگی و استقلال فردی شخص را در بر می گیرد که مانع حریم خصوصی و آزادی دیگران نشود».²⁵

یکی از جنبه های حفاظت شده حق حریم خصوصی و آزادی فردی، که توسط کمیته حقوق بشر تایید شد، برقراری روابط جنسی رضایت مندانه میان افراد بزرگسال در حریم خصوصی است. همان گونه که کمیته در مورد این حق گفت، کشورها باید از حق آزادی فردی و سایر حقوقی که از این حق سرچشمه می گیرند مانند: حق تصمیم گیری آزاد مطابق با ارزش ها، عقیده، موقعیت و ضروریات فردی محافظت کنند. دولت ها موظف اند که از تحمیل محدودیت های نامشروع و اجباری که باعث محدودیت آزادی های فردی می شود جلوگیری کنند، حتی در جاهایی

18 قانون اساسی ایران، ماده 38. ماده 578 قانون مجازات اسلامی و ماده یک بند 6 و 9 قانون حقوق شهروندی سال 2004 شکنجه را به خصوص برای گرفتن اعتراف ممنوع می کند.

19 به طور مثال نگاه کنید به پاسخ های کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، شماره 322/1988، رودریگز علیه اوروگوئه، که به تاریخ 14 ژوئیه 1994 تصویب شد، بلانکو علیه نیکاراگوئه، 20 ژوئیه 1994؛ 096/2002T و قربانوف علیه تاجیکستان، که به تاریخ 6 نوامبر 2003 تصویب شد.

20 کمیته حقوق بشر سازمان ملل، «تبصره کلی 20» (نشست چهل و چهارم، 1992)، تدوین تبصره های کلی و پیشنهادات عمومی تصویب شده توسط دفتر معاهدات سازمان ملل، اسناد سازمان ملل، U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 30 (1994), art. 7.

21 کمیته حقوق بشر، تبصره کلی 20، ماده 7 (نشست چهل و چهارم، 1992)، تدوین تبصره های کلی و پیشنهادات عمومی تصویب شده توسط دفتر معاهدات سازمان ملل، اسناد سازمان ملل، U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 30 (1994), para. 5.

22 همان

23 گزارش گزارشگر ویژه، کمیسیون حقوق بشر، نشست 53ام، موضوع 8 و یا (1997) U.N. Doc. E/CN.4/1997/7 Item 8(a).

24 ميثاق بين المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 17.

25 مان فرد نوواک، ميثاق بين المللی حقوق مدنی و سیاسی: تبصره در مورد ميثاق سیاسی و مدنی، (کهلام راین، جرمنی: ن.پ. انگلو 1993) ص. 294

که هدف از این نوع تحمیل ممانعت از شیوه زندگی باشد که اکثریت جامعه آن را غیرقابل قبول و مضر به حال فردی که آن را انجام می دهد بدانند. وضع هرنوع محدودیت بر آزادی های فردی باید دارای یک هدف مشروع باشد و بدون تبعیض اجرا گردد و میزان و تاثیر این محدودیت باید به شدت متناسب با تحقق هدف مشروع باشد.²⁶

حق برخورداری از «دادرسی عادلانه»

ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی حق برخورداری از دادرسی عادلانه را تضمین کرده و اظهار می دارد:

همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری مساوی هستند. هرکس حق دادخواهی منصفانه و علنی را در جریان تصمیم گیری در مورد اتهامی که علیه او و یا حقوق و الزامات مدنی او مطرح و صادر شود، در یک دادگاه مستقل و بی طرف که طبق قانون تشکیل شده باشد دارد.²⁷

ماده 14 همچنین می گوید که متهم نباید «مجبور به شهادت و یا اعتراف علیه خود شود» و «حق دارد که در مورد محکومیت و مجازات خود در یک دادگاه عالی تر مطابق با قانون خواستار تجدید نظر شود».²⁸

تهیه و تدوین قوانین کیفری

با توجه به ماده 15 (1) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

هیچ کس را نباید به دلیل انجام فعل و یا ترک فعلی که در قوانین ملی و یا بین المللی در زمان ارتکاب برای آن مجازات تعیین نشده است محکوم نمود. هیچ کس نباید به مجازات شدیدتر از آنچه که در زمان ارتکاب جرم برای آن تعیین شده است، محکوم گردد.

عدم تبعیض و حقوق اساسی

ماده 2 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از کشورهای عضو این میثاق می خواهد، «که برای تمام افراد ساکن آن کشور حقوق شناخته شده این میثاق را بدون هیچ گونه تبعیض رعایت و تضمین کنند» و می افزاید که کشورهایی عضو باید «تضمین کنند که اگر حقوق و آزادیهای فردی به رسمیت شناخته شده در این میثاق نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت موثر» آن فراهم سازند، و همچنین مسئولین زیربط را موظف می سازد که «در صورت محرز شدن این خسارات زمینه تطبیق آن را مهیا کنند».²⁹ حق جبران خسارت قطعی بوده و مقام رسمی و یا خصوصی فرد مرتکب نمی تواند تفاوتی در احراز این حق ایجاد نمی کند. ماده 26 این میثاق تضمین می کند که «همه افراد در مقابل قانون مساوی هستند و حق دارند، بدون هرگونه تبعیض، از حمایت مساوی در مقابل قانون برخوردار شوند». حمایت نابرابر در مقابل خشونت و دسترسی نابرابر به قانون، در صورت عدم توجیه پذیری جدی، بر اساس قوانین بین المللی به شدت ممنوع است.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی بر حق حریم خصوصی (ماده 17)، امنیت (ماده 9)، آزادی بیان (ماده 19) و حق آزادی اجتماعات (ماده 21) مهر تائید می گزارد. این حقوق، از جمله حق آزادی بیان که شامل حق آزادی

26 کمیته حقوق بشر سازمان ملل، تبصره کلی در مورد ماده 17 میثاق مدنی و سیاسی، تدوین تبصره های کلی و پیشنهادات عمومی تصویب شده توسط دفتر معاهدات سازمان ملل، اسناد سازمان ملل، UN Doc. HRI/GEN/Rev.3, 15 August 1997.

27 میثاق مدنی و سیاسی، ماده 14 (1)

28 همان، ماده 14 (3) ز و ج 5.

29 همان

اظهار هویت جنسی از طریق پوشش لباس و یا رفتارهای فیزیکی می شود؛ و یا حق آزادی گشت و گذار در محضر عام که باید بدون هرگونه ترس از اذیت و آزار و تعرض صورت گیرد، زمینه یک زندگی باصفا و آزاد را در جامعه به ارمغان می آورد. از اینرو، کشورها عضو موظف اند که با فراهم آوردن حمایت های لازم برای افرادی که از این حقوق استفاده می کنند، از اذیت و آزار و مزاحمت آنان جلوگیری کرده و مرتکبین آن را در هر جایی که قرار داشته باشند در صورت امکان مجازات کنند.

آن قوانین ایران که این حقوق را تنظیم و یا محدودیت های دولتی دیگری را علیه آن تصویب می کنند، اجازه دارند تنها در صورتی این محدودیت ها را وضع کنند که با معیارات حقوق بین المللی مطابقت داشته باشد،- یعنی وضع این محدودیت ها برای تحقق یک هدف مشروع اجتناب ناپذیر باشند. همان گونه که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد توصیه کرد، «تدابیر محدود کننده باید با اصل تناسب در حقوق بین المللی مطابقت داشته باشد؛ برای تحقق وظایف حفاظتی مورد ادعا مناسب باشد؛ از جمله مواردی باشد که با کمترین مداخله در زندگی مردم نتیجه مطبوع را به ارمغان آورد؛ و با منافعی که قصد حفاظت آن را دارد متناسب باشد».³⁰ هر نوع محدودیت باید اصل عدم تبعیض را به شدت رعایت کند.

آزادی بیان، اجتماعات و انجمن ها

حق آزادی بیان، اجتماعات و انجمن ها که در قوانین بین المللی حقوق بشر تضمین گردیده اند، صرفا ممکن است در یک چارچوب تعریف شده خاص محدود شوند. اما استثنایات بیش از حد گسترده ای که در قانون اساسی ایران، قوانین امنیت ملی، و قانون مجازات اسلامی در مورد آزادی بیان وجود دارد، به دولت اجازه می دهد که در مجموع این حقوق را فراتر از چارچوب تعیین شده قوانین بین المللی محدود کنند.

ایران به عنوان عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از سال 1975 تاکنون موظف است که چارچوب قوانین بین المللی را رعایت کند. ماده 21 میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق تجمعات مسالمت آمیز را تضمین می کند. 31 این ماده مشخص می کند که «هیچ محدودیتی نباید در اعمال این حق وجود داشته باشد، مگر مطابق با قانون که در یک جامعه دموکراتیک برای منافع امنیت ملی و یا ایمنی عمومی، نظم عمومی و یا برای حفاظت از سلامت و اخلاق و یا حقوق و یا آزادیهای عمومی ضروری باشد».

حق آزادی انجمن ها نیز به خوبی در قوانین بین المللی تثبیت شده است. حق آزادی انجمن ها نیز ممکن است محدود شود، اما تحت یک شرایط مشخص که در قوانین بین المللی از آن تعریف شده است و آنهم تنها در زمانی که شرایط خاص برای تطبیق آن به وجود آید.³² به گفته پروفیسور مانفرد نواک در تجزیه و تحلیل معتبرش از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت های تعیین شده در ماده 22 (2) میثاق باید به دقت و به شکل محدود مورد تفسیر قرار گیرند. به عنوان مثال، اصطلاح «امنیت ملی» و «ایمنی عمومی» به وضعیتی اطلاق می شود که یک تهدید فوری و خشونت آمیز ملت را تهدید کند. محدودیت های «ضروری» نیز باید متناسب با هدف مشروع باشند: به این معنی که وضع محدودیت ها باید به شکل دقیق متعادل با دلایل ضروری ایجاب آن محدودیت ها باشد.³³

30 تبصره کلی 32/16، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ICCPR/C/SR.749، 23 مارس 1988، پاراگراف 4. نگاه کنید به تونین علیه استرالیا، پاراگراف 3.8.

31 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 21.

32 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 22.

33 مانفرد نواک، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، تبصره در مورد میثاق حقوق مدنی و سیاسی، (کهلام راین: ن.پ. ایگل، 1993) و ص.ص. 386-387.

کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نهاد صاحب نظر سازمان ملل که وظیفه نظارت بر رفتار کشورها را برای رعایت و انطباق میثاق حقوق مدنی و سیاسی به عهده دارد، چندین مرتبه بر اهمیت «تناسب» در قوانین بین المللی تاکید کرده است. در قوانین بین المللی، ایجاد محدودیت های «ضروری» بر آزادی انجمن ها و اجتماعات باید متناسب باشد: به این معنی که وضع محدودیت ها باید به شکل دقیق متعادل با دلایل ضروری ایجاب آن محدودیت ها باشد.³⁴

34 کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نگاه کنید، به طور مثال به ولادیمیر پتروویچ لاپ تسویچ علیه بلاروس. تبادل نظر کمیته حقوق بشر شماره 780/1997،. همچنین نگاه کنید به ریچارد فرایرز، «محیط حقوقی جامعه مدنی»، کتاب سالیانه مرکز جهانی جامعه مدنی سال 2003، مرکز مطالعات دولت های جهانی، دانشگاه اقتصادی لندن، 2003.

III. مجازات مرگ برای مجرمین کودک

مسئولین دولتی از «لغو» مجازات اعدام در قانون جدیداً اصلاح شده مجازات برای کودکان که مطابق با قوانین بین‌المللی به هر کسی که قبل از سن 18 سالگی مرتکب جرمی گردد اطلاق می‌گردد با تفاخر زیادی حرف زدند. اما با بررسی اطلاعات جدید، مشاهده می‌شود با وجودی که قانونگذاران مجازات اعدام را در موارد ارتکاب «جرائم تعزیزی» مانند داشتن و قاچاق مواد مخدر برای کودکان لغو کرده‌اند، اما قضات هنوز هم ممکن است بر مبنای صلاحدید خود کودکان را به جرم ارتکاب «حدود» و یا «قصاص» به اعدام محکوم کنند.

ایران مقام نخست را در اعدام افرادی که قبل از 18 سالگی مرتکب جرم می‌گردند، در سطح جهان دارد. اعتقاد بر این است که در طول سه سال گذشته، ایران بیشتر از هر کشور دیگری مجرمین کودک را اعدام کرده است. حداقل سه کودک در سال 2011، یک کودک در سال 2010، و پنج تن دیگر در سال 2009 به دستور مقامات اعدام گردیده‌اند. در سال 2011 دست کم 143 نفر کودک به جرایم مختلف، از جمله تجاوز به عنف و قتل در زندان‌های ایران در انتظار اعدام به سر می‌بردند.³⁵ این ارقام در سال 2009 پنج کودک، در سال 2008، 7 کودک و در سال 2007 حداقل هشت کودک را نشان می‌دهد.³⁶ بر خلاف تمام شواهد موجود، رییس‌جمهور محمود احمدی‌نژاد در سال 2008 ادعا کرد که کشورش افرادی را که پیش از سن 18 سالگی مرتکب جرم گردیده‌اند، به اعدام محکوم نمی‌کند.³⁷

مجازات اعدام نوجوانان در قانون بین‌المللی ممنوع است و این ممنوعیت مطلق است. کنوانسیون حقوق کودک (CRC) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) هر دو، مجازات اعدام را به طور خاص برای افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر 18 سال قرار دارند منع کرده است. ایران میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را در سال 1975 و کنوانسیون حقوق کودک را در سال 1994 تصویب کرده است. بین سالهای 2007 و 2009، مجمع عمومی سازمان ملل متحد دو بار به طور خاص از ایران خواست که به مجازات اعدام نوجوانان پایان دهد، و کشورهای عضو در بررسی عمومی نوبتی ایران در فوریه 2010 بار دیگر نگرانی خود را در مورد این موضوع ابراز کردند.³⁸

35 غفو بین‌الملل، <http://www.amnesty.org/en/region/iran/report-2011>، همچنین نگاه کنید: مرکز سیاست خارجی، "از گهواره تا تابوت: گزارش در مورد اعدام کودکان در ایران، 2009"، <http://fpc.org.uk/fsblob/1063.pdf> (دسترسی در 26 نوامبر، 2010)، "ایران: اعدام نوجوان برای روز دوشنبه برنامه ریزی شده، اعلامیه مطبوعاتی سازمان غفو بین‌الملل، اکتبر 1، 2009"، <http://www.amnesty.org/for-media/press-releases/iran-execution-juvenile-scheduled-monday-20091002> (دسترسی در نوامبر 26، 2010).

36 هفتمین نوجوان در سال جاری در ایران به دار آویخته شد، "از انتشارات خبری دیده بان حقوق بشر، 4، نوامبر 2008، <http://www.hrw.org/~v>، <http://www.hrw.org/en/news/2008/11/04/iran-hangs-seventh-juvenile-offender>، گزارش شده است که در سال 2010، ایران حداقل به یک مجرم نوجوان اعدام. نگاه کنید به "ایران، عربستان سعودی، سودان: پایان مجازات اعدام نوجوانان"، دیده بان حقوق بشر انتشار اخبار، اکتبر 8، 2010، <http://www.hrw.org/en/news/2010/10/09/iran-saudi> - عربستان، سودان، پایان، مجازات مرگ نوجوانان است.

37 احمدی‌نژاد در پاسخ به سوال خبرنگار نیویورک تایمز در مورد مقام نخست ایران در مورد اعدام نوجوانان گفت: «در ایران نوجوانان اعدام نمی‌شوند. در کجا آنان اعدام شده‌اند؟ قانون ما در واقع 18 سالگی را به عنوان سن مسئولیت کیفری برای مجازات اعدام تعیین کرده است. من واقعا نمی‌دانم که شما این عدد 30 را از کجا به دست آورده اید؟» نگاه کنید، «مصاحبه با احمدی‌نژاد»، نیویورک تایمز، 26 سپتامبر 2008، قابل دسترسی http://www.nytimes.com/2008/09/26/world/middleeast/26iran-transcript.html?_r=1&pagewanted=2&ref=middleeast (November 26, 2010).

38 مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه 168/62، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، اسناد سازمان ملل، A/RES/62/168، 20 مارس 2008. این قطعنامه از جمهوری اسلامی ایران خواست که «ما از شما، همان گونه که کمیته حقوق کودکان در گزارش ژانویه سال 2005 خواست، می‌خواهیم که اعدام کودکان را که قبل از سن 18 سالگی مرتکب جرم گردیده‌اند، لغو کنید»؛ و «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران»، که مجمع عمومی «که اعدام افرادی که قبل از سن 18 سالگی مرتکب جرم گردیده‌اند، را محکوم نموده و آن را برخلاف تعهد دولت ایران مطابق با ماده 37 میثاق بین‌المللی حقوق کودکان و ماده 4 و 6 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانست که علیرغم اعلام ممنوعیت مجازات اعدام کودکان توسط دولت ایران ادامه داشت»، و از دولت ایران خواست «که اعدام افرادی که قبل از سن 18 سالگی مرتکب جرم گردیده‌اند را لغو کند، و به ممنوعیت اعدام کودکان و مجازات

اکثریت اعدام‌های مجرمین نوجوان در ایران به اتهام قتل عمد صورت می‌گیرد.³⁹ قتل عمد، در قوانین ایران به مواردی اطلاق می‌شود که شخص عمداً به اقدامی دست می‌زند که منجر به قتل گردد، حتی اگر قصد کشتن قربانی را نداشته باشد. این عمل جرم پنداشته شده و سزای آن قصاص (قصاص نفس) است. در حالی که دستگاه قضایی مسئولیت انجام محاکمه و اجرای حکم در این گونه موارد را دارد، قانون ایران آنها را به عنوان اختلافات خصوصی بین دو طرف قضیه شناخته که در آن دولت نقش تسهیل کننده حل و فصل اختلاف را دارا می‌باشد. بازماندگان مقتول حق درخواست قصاص (به قتل رسانیدن مجرم)، عفو قاتل و یا حق پذیرفتن پرداخت غرامت در ازای انصراف از قصاص را دارا می‌باشد.

به اساس ماده 49 قانون قبلی، قانونگذاران کودکان را از مسئولیت کیفری مبرا دانسته بودند، اما «کودک» را مطابق به قانون شریعت به کسی که به سن بلوغ نرسیده باشد تعریف کرده بودند.⁴⁰ این در حالی است که قانون قبلی تعریفی از سن بلوغ ارائه نداده بود و در شریعت نیز تفسیر واحدی از سن بلوغ وجود ندارد.⁴¹ در تشخیص سن بلوغ، قضات به متن قانون مدنی 1991 استناد می‌کردند که سن بلوغ را برای دختران 9 سال قمری (هشت سال و نه ماه سال شمسی) و برای پسران 15 سال قمری (14 سال و هفت ماه سال شمسی) تعیین کرده بودند.⁴²

قوه قضائیه ایران بر اساس این رژیم حقوقی صدها کودک را به اعدام محکوم و مقامات زندان نیز این حکم را در مورد ده‌ها تن از این نوجوانان محکوم اجرا کردند. با این حال، مقامات به طور منظم ادعا کرده‌اند که منع اعدام کودکان همواره در قانون ایران وجود داشته است. آنان با این استدلال موضع خود را توجیه می‌کردند که کودک در اصطلاح شرعی معنی متفاوتی دارد و مقامات هیچ‌کسی را تا زمانی که به سن 18 نرسیده است، اعدام نمی‌کنند و یا در قضایای مربوط به قصاص، این خانواده مقتول است که تصمیم می‌گیرد مجرم اعدام گردد، مورد عفو قرار گیرد و یا اینکه خونبها بپردازد و نه دولت.⁴³

در پاسخ به انتقادات روزافزون بین‌المللی در ارتباط با اعدام مجرمین کودک، مقامات ایرانی اقدامات تدریجی را برای رسیدگی این مسئله روی دست گرفتند. در سال‌های 2003 و 2008، رئیس سابق قوه قضائیه ایران، آیت الله محمود هاشمی شاهرودی، با صدور بخشنامه‌ای به قضات دستور داد تا از صدور حکم اعدام برای هر مجرمی که زیر سن 18 سال قرار دارد، خودداری ورزند. اما قضات با این استدلال که که بخشنامه در تضاد با مفاد قانون مجازات قبلی قرار دارد، از اجرای آن سر باز زدند.⁴⁴ در ماه ژوئیه سال 2006، مجلس ایران به بررسی پیش نویس قانون جرائم نوجوانان پرداخت که به گفته مقامات به اعدام نوجوانان مجرم پایان می‌داد، اما در واقع، این

سنگسار متعهد بمانند و این ممنوعیت‌ها را به منظور جلوگیری کامل از اجرای این مجازات به قانون تبدیل کنند». اسناد سازمان ملل، پیوست 1، UN-Doc. A/RES/61/176, March 1, 2007, Annex 1.

39 دیده بان حقوق بشر، آخرین مانع: به اعدام نوجوانان در ایران، عربستان سعودی، سودان، پاکستان، یمن، پایان دهید، سپتامبر 2008، http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/crdo908web_o.pdf.

40 قانون مجازات اسلامی، ماده 49؛ قانون مدنی نوامبر سال 1991، ماده 1210. برای معلومات عمومی راجع به سن بلوغ و مسئولیت کیفری در ایران، به مقاله شریین عبادی در کانون مدافعان حقوق بشر ایران نگاه کنید، «مسایل اعدام قبل از 18 سال در ایران»، ژوئیه 2007، <http://www.emadbaghi.com/en/archives/000924.php> (آخرین دسترسی 21 می 2008).

41 دیده بان حقوق بشر، آخرین مانع: به اعدام نوجوانان در ایران، عربستان سعودی، سودان، پاکستان، یمن، پایان دهید، سپتامبر 2008، http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/crdo908web_o.pdf.

42 ایران معمولاً از تقویم شمسی استفاده می‌کند و نه از تقویم قمری.

43 بعد از اعدام یک پسر 17 ساله به اسم علیرضا مولا سلطانی در 21 سپتامبر 2011، سخنگوی دادستانی عمل اعدام این نوجوان را محضر عام این گونه توجیه کرد که مولا سلطانی مطابق با تقویم قمری 18 ساله بود. قوه قضائیه ایران مولا سلطانی را به جرم قتل عمد یک قهرمان سرشناس «قوی ترین مرد» در ایران به مرگ محکوم کرد. سازمان ملل متحد: سابقه تکان دهنده حقوق بشر ایران را افشا کنید، اطلاعیه خبری دیده بان حقوق بشر، 21 سپتامبر 2011، <http://www.hrw.org/news/2011/09/21/un-expose-iran-s-appalling-rights-record>.

44 کمپاین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، «اقدامات نیمه تمام: مجازات اعدام نوجوانان مطابق با قانون مجازات جدید»، 27 فوریه، 2012، <http://www.iranhumanrights.org/2012/02/new-penal-code-commentary/>.

اقدام دست قضات را در صدور حکم اعدام به مجرمین نوجوان باز می گذاشت.⁴⁵ قانونگذاران هیچ گاهی این قانون را تصویب نکردند، اما حداقل برخی از مواد آن در نهایت راه خود را در قانون تازه اصلاح شده مجازات باز کرد.

سن مسئولیت کیفری تا هنوز برابر با سن بلوغ است

مواد 87-94 قانون اصلاح شده به طور کلی مربوط به رسیدگی به مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال شده به «کودکان و نوجوانان است». بر خلاف قوانین های قدیمی، قانون جدید «سن مسئولیت کیفری» را برای اولین بار تعریف می کند، اما آن را برابر می داند با سن بلوغ تحت قانون شریعت.⁴⁶ بر این اساس، قضات ممکن است دختران زیر نه سال قمری و پسران زیر 15 سال قمری را از لحاظ کیفری مسوول اعمال و یا خطاهایشان قرار ندهند.⁴⁷ در قانون قدیمی نیز از چنین راهکاری استفاده می شد، اما قانون اصلاح شده با تدوین شرط سن، دید مشخصی در این مورد ارایه کرده است.

لغو مجازات اعدام برای «جرائم تعزیری»

یکی از بهبودهای خاص قابل یادآوری برای کودکان در قانون مجازات جدید مربوط به «جرائم تعزیری» می شود. بر اساس اصلاحات جدید، کودکان به هیچ عنوان به اعدام محکوم نمی گردند، به جای آن از قضات خواسته شده است که به کودکی که مرتکب «جرم تعزیری» گردیده است، با توجه به ماهیت جرم و محدوده سنی، او را به انواع اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم کند.⁴⁸ این اقدام تا حدودی یک گام مثبت شمرده می شود، زیرا که اکثریت قریب به اتفاق اعدام هایی که توسط مقامات طی چند سال گذشته انجام شده، در مورد کسانی بوده است که به قاچاق و یادداشتن مواد مخدر متهم بوده اند که از جمله «جرائم تعزیری» اند.

مجازات اعدام برای جرائم دیگر حفظ شده است

اما چنین ممنوعیتی در مقابل اعدام کودکانی که مرتکب «حدود» (که شامل مجازات مرگ برای جرایمی مانند ارتداد و زنا یا همخوابی با زن و مرد دیگری خارج از چارچوب ازدواج می شود) و جرائم «قصاص» مانند قتل عمد می گردد، وجود ندارد. (همانطور که قبلاً ذکر شد، اکثریت احکام اعدام توسط قوه قضاییه علیه کودکان مجرم در ارتباط با همین جرایم صادر شده است). بر اساس ماده 90 قانون اصلاح شده، یک قاضی ممکن است یک پسر 15 ساله (مطابق با سال قمری) و یا بالاتر از آن و یک دختر 9 ساله (به حساب سال قمری) و بالاتر از آن را به خاطر ارتکاب جنایات فوق الذکر در صورتی که تشخیص دهد مجرم به ماهیت و پیامد های جرم خویش واقف

45 ماده 31 (3) قانون مجازات جدید به قضات اجازه می دهد اما نمی خواهد که مجازات مرگ و حبس ابد متهمان نوجوان 15 تا 18 ساله را به حبس دو تا 8 سال در زندان های تأمینی و تربیتی کاهش دهند. بر علاوه، ماده 33 قانون جدید وضاحت می دهد که در مجازات «قصاص» و «حدود» کاهش مجازات تنها در صورتی قابل اجرا است که قاضی تشخیص دهد که «بلوغیت کامل ذهنی متهم قابل تردید باشد»، دیده بان حقوق بشر، آخرین مانع: به اعدام نوجوانان در ایران، عربستان سعودی، سودان، پاکستان، یمن، پایان دهید، سپتامبر 2008، http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/crd0908web_o.pdf.

46 لایحه جدید، ماده 146.

47 لایحه جدید، ماده 145. با آنهم قاضی می تواند که متهمی که به سن بلوغ نه رسیده باشد به یک سلسله مجازات تأمینی و اصلاحی محکوم کند. به علاوه بلوغیت، قاضی باید تشخیص دهد که متهم «عقل سالم دارد»، و قصداً مرتکب فعل و یا ترک فعال شده است. قانون مجازات جدید ماده 139.

48 «جرائم تعزیری» شامل قاچاق و داشتن مواد مخدر می شود، که مطابق با قوانین سختگیرانه ایران دارای مجازات بی نهایت شدید می باشد و بیشتر اعدام هایی که در این اواخر در ایران صورت گرفته است به جرم ارتکاب تعزیری بوده است. ماده 87 لایحه جدید می گوید که اطفال و نوجوانانی که مرتکب «جرائم تعزیری» شده اند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، به یک سلسله اقدامات تأمینی و تربیتی محکوم می گردند، از جمله تسلیم به والدین و یا سرپرست قانونی که آنان را تحت تدابیر شدید مدنظر دهند، معرفی آنان به مددکار اجتماعی، جلوگیری از رفت و آمد طفل در مکان های معیین، نگهداری در کانون اصلاح تربیت برای یک ماه تا یک سال. ماده 88 در باره نوجوانی که مرتکب «جرائم تعزیری» شده اند را پرداخت جزای نقدی و نگهداری در کانون اصلاح تربیت کودکان تا به پنج سال می داند (که مربوط به شدت جرم می گردد). در واقع، به نظر می آید که قانون مجازات جدید «بلوغیت» در جرائم تعزیری لازم نمی داند.

بوده است، به اعدام محکوم سازد.⁴⁹ این ماده به دادگاه اجازه می دهد که که « برای تشخیص رشد و کمال عقل از پزشک قانونی و یا هر وسیله مقتضی دیگری نظر خواهی کند» که آیا «مجرم به ماهیت و حرمت جرم خود آگاه بوده است و یا خیر».⁵⁰

قانون اصلاح شده مجازات برای کودکانی که در سن پایین تر از بلوغ قرار داشته و مرتکب جرایم فوق الذکر می گردند (که مطابق به قانون ایران مسوولیت کیفری به دوش دارند) یک سلسله اقدامات تربیتی و تأمینی را تجویز می کند. با این حال، این اقدام منع مطلق اعدام کودکان را چنانچه قوانین بین المللی ایجاب می کند، برآورده نمی سازد.⁵¹ باآنها، این اصلاحات از ممنوعیت های مطلق که در قوانین بین المللی وجود دارد کوتاه می آید.

به اساس قوانین بین المللی هر کسی که زیر سن 18 قرار دارد، کودک شناخته می شود و صدور حکم اعدام برای کودکان مجرم شدیداً منع گردیده است. بنابراین، مواد قانون جدید که اعدام کودکان، به ویژه پسران 15 ساله (سال قمری) و دختران 9 ساله (سال قمری)، را غیرقانونی اعلام نمی کند، قوانین بین المللی را به شدت نقض می کند.

49 لایحه مجازات جدید، ماده 90. خطری که در این ماده احساس می شود این است که قاضی ممکن است این معیار را به شکل خودسرانه تطبیق کند، زیرا که قانون جدید توضیح نمی دهد که قاضی چگونه این معیارات را برای تشخیص این موضوع که کودک ماهیت و پیامد فعل خود را می دانست را جستجو و تطبیق کند.

50 همان، تبصره.

51 با تاسی از ماده 87 لایحه جدید، قاضی ممکن است یک مجرم را که تا هنوز به «سن بلوغیت» نرسیده است، اما به جرائم «حدود» و جرائم «قصاص» محکوم گردیده اند، و بین سالهای 12 تا 15 سال قمری قرار دارد، اخطار داده و به کانون اصلاح تربیت کودکان برای سه ماه تا یک سال بفرستد. لایحه جدید، ماده 87، تبصره دوم. از لحاظ تکنیکی این ماده صرفاً برای بچه ها قابل تطبیق است، زیرا دختری که بیش از 9 سال قمری عمر داشته باشد، بالغ حساب می شوند و از لحاظ کیفری مسئول. در تمام موارد دیگر، (مانند مرتکبین «نابالغ» که زیر 9 سال قرار داشته باشند) قاضی ممکن است مرتکب را به اقدامات تأمینی و تربیتی از جمله تحت نظر قرار دادن شدید توسط والدین و سرپرست قانونی محکوم کند. همان.

IV. مجازات مرگ برای رفتار حفاظت شده و یا جرایم غیر جدی

اصلاحات وارده در قانون مجازات اسلامی، مجازات اعدام را به خاطر فعالیت هایی که از جمله «جنایات جدی» پنداشته نمی شوند، و به خاطر فعالیت هایی که نباید در واقع جرم تلقی گردند و مطابق قوانین بین المللی از جمله «جرائم بی نهایت جدی» محسوب نمی شوند، حفظ کرده است. جرایمی که مجازات اعدام برای مرتکبین آن الزامی است، در قانون جدید به طور کلی تحت گروه «حدود» ذکر گردیده اند. برخلاف قوانین بین المللی، در هر دو قانون مجازات اسلامی قدیمی و جدید، افرادی که به جرم «حدود» به مجازات خاصی (از جمله اعدام) محکوم می شوند، مستحق عفو یا تخفیف مجازات نمی باشند. این جرایم شامل موارد ذیل بوده، اما محدود به آن ها نمی باشد: زنا، لواط، همجنسگرایی و توهین به محمد. جرایم دیگری که می توانند مجازات اعدام را در پی داشته باشند، مربوط به قوانین سختگیرانه مبارزه با مواد مخدر می شود که داشتن و قاچاق مقدار کم مواد مخدر را جرم می داند.

زنا

مواد 222-231 قانون مجازات جدید به طور کلی جرم زنا را (با توجه به وضعیت تاهل طرفین) عبارت از جماع مرد با زنی که بین آنها حلقه زوجیت نبوده و مبتنی بر رضایت و یا اجبار طرفین صورت گیرد تعریف کرده و به بحث می گیرد. اگر چه قانون جدید اعمال مجازات سنگسار برای زناکاران که در قانون قدیمی صراحت داشت، حذف کرده، اما مشخصاً آن را ممنوع نکرده است. با این حال، در قانون جدید، مجازات های قانون قدیمی در مورد زنا به صورت وسیع دست نخورده باقی مانده است که صدور مجازات اعدام را برای کسانی که رضایت‌مندان به کسی غیر از همسر خود روابط جنسی (زنا) برقرار می کند، برای مرتکبین زنا با محارم، برای مردی که با زن پدر خود روابط جنسی برقرار می کند و برای مرد غیر مسلمانی که با زن مسلمان رابطه جنسی دارد، بدون توجه به وضعیت تاهلش الزامی می سازد⁵². قضات می توانند افرادی را که به «سن بلوغ» نرسیده اند به جزایهای تامینی و تربیتی محکوم کند⁵³.

در قانون جدید کماکان زنا به عنوان یک عمل اجباری جنسی و یا زنا به عنف تعریف گردیده - از به رسمیت شناختن تجاوز جنسی در رابطه زناشویی فروگزاری کرده است- و برای مرتکب این عمل مجازات اعدام را در نظر گرفته است⁵⁴. قربانیان تجاوز مجرم محسوب نگردیده، و مستوجب مجازات نمی باشند. در هر دو قانون جدید و قدیمی، ماده جداگانه‌ای برای تجاوز، از جمله در روابط زناشویی که در قوانین ایران به رسمیت شناخته نشده است وجود ندارد.

در مواردی که طرف متخلف متهم به رابطه جنسی خارج از ازدواج (زنا)، فرد مجرد باشد، مجازات او 100 ضربه شلاق است⁵⁵. همچنان، اگر یک مرد متاهل، در حالی که با همسر خود هنوز همبستر نشده و مرتکب زنا

52 قانون جدید. ماده 225. برای مطالعه مباحثات پیرامون حذف قوانین کلیدی مربوط به سنگسار به مثابه مجازات زنا محصنه نگاه کنید: جزء ۷.

53 همان. ماده 22. تبصره 2. در واقعات مربوط به زنا با محارم، در صورتی که قربانی به سن بلوغ نرسیده باشد، قاضی ممکن است مجرم را صرف به 100 ضربه شلاق محکوم کند.

54 همان. ماده 225 (د). قانون جدید همچنان تصریح می کند زنا به عنف همچنان شامل مواردی است که مردی با فریب، ارعاب و یا تهدید زنی را مجبور به همخوابگی با خود کند.

55 همان. ماده 228.

محسنه گردد، به صد ضربه شلاق، تراشیدن سر و یک سال (قمری) تبعید داخلی (اقامت اجباری) محکوم می گردد.⁵⁶

جرم زنا که رابطه جنسی مبتنی بر رضایت بین افراد بزرگسال را قابل مجازات می داند، در تناقض با قوانین بین المللی قرار می گیرد. قوانین بین المللی حقوق بشر، به منظور حفاظت از حقوق متنوع انسان ها از جمله حق عدم تبعیض، استقلال فیزیکی، سلامتی، حریم خصوصی و آزادی می خواهد که روابط جنسی آزادانه بین بزرگسالان یک امر غیرقانونی محسوب نگردد.⁵⁷

لواط و مساحقه

اگر چه در مواد 232 – 233 قانون جدید مجازات اسلامی مثل قانون قدیمی برای مرتکبین عمل لواط که به عنوان دخول آلت تناسلی مرد در مرد دیگری یا به رضایت و یا اجبار طرفین تعریف گردیده است، مجازات اعدام پیش بینی گردیده است، اما قانون جدید، محدودیت های را در مورد صدور این حکم به مرتکبین با در نظر داشت اینکه مرتکب «فاعل» بوده است یا «مفعول» در نظر گرفته است. فرد فاعل در صورتی که مجرد بوده و به تجاوز متهم نباشد، به 100 ضربه شلاق محکوم می شود، نه به اعدام.⁵⁸ اما، فرد مفعول در صورت عدم اجبار و تجاوز، به اعدام محکوم می گردد. همچون مورد زنا، قانون جدید مجازات اسلامی در این مورد نیز بین مسلمانان و غیر مسلمانان تبعیض قایل می گردد. در صورتی که فاعل لواط غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، قاضی باید او را، بدون در نظر داشت نقشش به عنوان فاعل به اعدام محکوم کند.⁵⁹

قانون جدید در تعریف مساحقه که از آن نیز به عنوان یکی از انواع «حدود» یاد گردیده است، تغییر اندکی آورده است. در این قانون مساحقه به عملی گفته می شود که یک زن اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی زن دیگری بگذارد.⁶⁰ مجازات مساحقه 100 ضربه شلاق است. همچنان، نظر به تعریف قانون جدید رابطه جنسی بین دو مرد در صورتی که دخول صورت نگیرد، اما از آلت جنسی استفاده شود تفخیز گفته می شود.⁶¹ مجازات الزامی این عمل که «حدود» تلقی می شود، 100 ضربه شلاق است.⁶² اما، قانون جدید با برخورد تبعیضانه در برابر غیر

56 همان. ماده 227. مقررات مربوط به زنا و فحشا تعریف جامعی از ازدواج ارایه نمی کنند. اما ماده 233 در فصل لواط اذعان می دارد که ازدواج برای مرد آن است که زنی را که به سن بلوغ رسیده باشد، به عقد دایم خود درآورد و عقد خود را زمانی که زن مذکور به سن بلوغ رسیده، صورت داده باشد و هر زمانی که میل کند، بتواند با همبستر شود.

57 نهادهای کارشناس سازمان ملل متحد و گزارشگر های ویژه خواهان بازنگری قوانین زنا در کشورهای مختلف گردیدند. به طور مثال، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان از افغانستان خواست تا «قوانینی را که زنان و دختران را مورد تبعیض قرار داده، باعث زندانی شدن و مجازات وحشیانه، غیر انسانی و خشونت بار در برابر شان می گردد، به شمول قوانین مربوط به زنا، ملغی قرار دهد». (نگاه کنید: گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد خشونت علیه زنان، عوامل و پیامدهای آن و وضعیت زنان و دختران در افغانستان. سند سازمان ملل متحد A/58/421 مورخ ششم اکتبر. 2003، پاراگراف 31.

58 همان. ماده 233. قانون قدیمی از قضات خواسته بود تا هر دو طرف را به اعدام محکوم سازند. «فاعل» به کسی اطلاق می شود که آله تناسلی اش در مقعد شریک رابطه جنسی اش داخل شده باشد و مفعول به جانب مقابل گفته می شود. برای تحلیل عمیق قوانین جزایی مربوط به همجنسگرایان و اثر آن روی زنان و مردان همجنسگرا، دو جنسگرایان و ترا جنسی ها در ایران نگاه کنید: دیده بان حقوق بشر. «ما نسل زنده به گور شده». دسامبر 2010، http://www.hrw.org/sites/default/files/iran1210webwcover_1.pdf.

59 همان. ماده 233. تبصره 1.

60 همان. ماده 238. ماده 127 قانون قدیمی همجنسگرایی (مساحقه) بین زنان را چنین تعریف می کند: «مساحقه، همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی». به گفته بعضی از کارشناسان حقوقی ایران مثل شادی صدر، هر چه بیشتر قانون جدید تلاش می کند تا تعریف دقیقی از مساحقه ارایه کند، به همان اندازه کار محکوم کردن زنان به جرم مساحقه توسط مقامات را دشوارتر می سازد. مریم حسین خواه. اعدام زنان در قانون کیفری ایران: بررسی تاثیر جنسیت بر قوانین ناظر بر اعدام در قانون جدید مجازات اسلامی. 7 مه، 2012. نگاه کنید: <http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000102-the-execution-of-women-in-iranian-criminal-law.html>.

61 - قانون جدید. اصل 234. «نوعی رابطه جنسی بدون دخول است که با فروکردن و مالیدن آلت جنسی مردانه بین ران های شریک جنسی دیگر انجام می شود».

62 همان، ماده 235.

مسلمانان، قاضی را صلاحیت می دهد که به شریک «فاعل» غیر مسلمان به جرم تفخیز، در صورتی که «مفعول» مسلمان باشد، حکم اعدام صادر کند.⁶³

قانون جدید، همچنان کسانی را که مرتکب رفتاری جنسی که در آن از اندام تناسلی استفاده صورت نگیرد، مثل بوسیدن از روی شهوت و در آغوش گرفتن و یا «قرار گرفتن برهنه زیر یک پوشش بدون ضرورت» مجرم پنداشته و به شلاق محکوم می کند.⁶⁴

مسکرات (شراب نوشی)

بر اساس قانون قدیمی مجازات اسلامی ایران، نوشیدن شراب از جمله جرائم «حدود» بوده و مجازات آن 80 ضربه شلاق است.⁶⁵ مطابق به ماده 179 قانون قدیمی، هر گاه کسی چند بار شراب بنوشد و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم مجازات آن اعدام می باشد.⁶⁶ این قانون به دادگاه ها، معمولاً رئیس قوه قضائیه، اجازه می دهد که از ولی امر یا نماینده او، برای کسی که پس از نوشیدن شراب، به آن اقرار و از عمل خود توبه نماید، تقاضای عفو کند.⁶⁷ اما در صورتی که مجرم پس از شهادت شاهد، به عمل خود اقرار کند، مشمول عفو نمی گردد.⁶⁸

قانون جدید، کماکان مجازات شلاق و اعدام را در مورد کسانی که شرب خمر می کنند حفظ می کند، اما در مورد مسئله تکرار آن ساکت می ماند.⁶⁹ اما ماده 135 قانون جدید مجازات اسلامی مجازات اعدام را به هر کسی که مرتکب جرم «حدود» گردد، به شمول نوشیدن شراب در مرتبه چهارم، الزامی می سازد.

توهین به پیامبر

«سب نبی» یا توهین به پیامبر، سومین دسته از جرائم «حدود» است که مجازات مرگ را در پی دارد. مطابق به ماده 263، هر که به پیامبر محمد توهین کند ساب النبی شمرده شده و باید اعدام گردد.⁷⁰ کسانی که به دوازده امام و فاطمه دختر محمد نیز توهین کنند، محکوم به اعدام می گردند.⁷¹ قانون در مورد اینکه توهین در چنین موارد، از چه تعریفی برخوردار است، توضیحی ارائه نمی کند.

قانون جدید مانند قانون قبلی با جرم تلقی کردن توهین به پیامبر و صدور مجازات اعدام به مرتکبین آن، در تضاد با حقوق بین المللی حقوق بشر قرار می گیرد؛ زیرا تعریف آن مبهم و در عین حال گسترده بوده و حق آزادی بیان را که در ماده 19 حقوق بین المللی مدنی و سیاسی صراحت دارد، نقض می کند.

سایر جرائم «حدود»

هر دو قانون جدید و قبلی شامل یک سلسله جرائم دیگر تحت دسته جرائم «حدود» است که مرتکبین آن برای بار اول مشمول حکم اعدام نمی گردند. از قوادی، قذف (اتهام بستن به افراد، زنده یا مرده به زنا، فحشاء، و لواط) و

63 همان، ماده 235. تبصره.

64 نگاه کنید، به طور مثال، همان، اصل 236 - 237.

65 قانون قدیمی، اصل 174.

66 همان، اصل 179.

67 همان، اصل 182.

68 همان، اصل 181.

69 قانون جدید، اصل 266. همچنانکه در قانون قدیمی آمده است، نوشیدن شراب توسط فرد غیر مسلمان جرم پنداشته نمی شود، مگر اینکه در محضر عام باشد. همان. اصل 267.

70 همان، اصل 236. جرم قذف و یا اتهام زنا یا لواط به محمد شامل اهانت به پیامبر می گردد. نگاه کنید به تبصره زیر در مورد جرم قذف.

71 همان، اصل 263. تبصره.

سرقت می توان به حیث نمونه هایی از این جرایم نام برد.⁷² گذشته از آن، ماده 135 قانون جدید مجازات اسلامی تصریح می کند که در صورتی که کسی برای سه مرتبه مرتکب جرم مشابه «حدود» گردند، و محکوم به مجازات گردند و در صورتی که در مرتبه چهارم مرتکب همان عمل گردد به اعدام محکوم می گردد.⁷³ این ماده دست کم به مواردی چون قوادی و شهادت دروغ به زنا اشاره دارد، هر چند در قوانین بین المللی هیچ کدام از این فعل ها از جمله جرائم جدی به حساب نمی آیند.⁷⁴

باید توجه کرد که هر چند قانون جدید مجازات مرگ را برای مرتکبین رابطه جنسی بدون آن که عمل دخول بین مردان و مساحقه بین زنان صورت گیرد حذف کرده است، اما از زبانی که در ماده 135 به کار رفته است، می شود استنباط کرد که کسانی که برای بار چهارم مرتکب چنین جرایمی گردند، ممکن است که به مرگ محکوم شوند.

مجازات سختگیرانه برای جرائم مرتبط با مواد مخدر

اصلاحات وارده در قانون مجازات جدید مواد جرائم «تعزیزی» قانون قبلی، از جمله مواد مربوط به جرائم مواد مخدر و امنیت ملی که هردو مجازات اعدام در پی دارند، و مجازات هایی مانند حبس از 25 – تا 30 سال (که از جمله سنگین ترین) و حبس تا سه ماه (که از جمله سبک ترین نوع مجازات مربوط به جرایم تعزیری در قانون جدید اند) را دست نخورده باقی می گذارد. چنانکه قبلاً تذکر یافت، قانون جدید موارد اعدام را برای کسانی که مرتکب «جرائم تعزیزی» زیر 18 سال می شوند، به شمول جرم داشتن و قاچاق مواد مخدر، حذف کرده است.

اما، با آنهم قضات می توانند مطابق به قانون سختگیرانه مبارزه با مواد مخدر، حکم مرگ را برای افرادی که مرتکب این نوع جرائم گردند، صادر کنند. این قانون که ابتداء توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال 1988 به تصویب رسید و در سال 1997 و سپس در سال 2010 اصلاحاتی در آن وارد گردید، حکم اعدام را برای کسانی که مرتکب نگهداری، قاچاق و تجارت بیش از 5 کیلوگرام تریاک و سایر مواد مخدر؛ تولید قاچاق، حمل و تجارت 30 کیلوگرام هروئین یا مورفین (و یا تکرار این جرم در مقادیر کمتر شوند)؛ و تولید، قاچاق و نگهداری مواد مصنوعی روانگردی غیر پزشکی گردند، اجازه می دهد.⁷⁵ این قانون همچنان حکم اعدام را برای «سران باندها یا شبکه ها» و قاچاق بران مسلح الزامی می داند.

در 11 اکتوبر 2010، دادستان کل ایران غلام حسین محسنی اژه ای اعلام کرد که برای تسریع پیگیری محاکمه مجرمین مواد مخدر، برخی از پرونده های قاچاق مواد مخدر به دفتر او منتقل خواهند گردید. پس از اعلام این خبر، عفو بین الملل اظهار داشت که آن سازمان اطلاعاتی دریافت کرده است که کسانی که به اعدام محکوم شده اند، برخلاف قوانین مبارزه با مواد مخدر، قانون مجازات و آئین دادرسی ایران، و قوانین بین المللی که همه حق استیناف خواهی را تضمین می کند؛ از حق تجدید نظر خواهی محروم گردیده اند.⁷⁶

تعداد و فهرست افرادی که توسط مقامات در رابطه با جرایم مواد مخدر اعدام شده اند، در جریان چند سال آخر به شدت افزایش یافته است. به اساس پژوهشی که عفو بین الملل در سال 2009 انجام داده است، از جمله 389 مورد اعدامی که ثبت گردیده، 166 یعنی تقریباً 43% آن به اتهام جرایم مربوط به مواد مخدر بوده است. در سال 2010 در حدود 68% تمام اعدام های ثبت شده توسط این سازمان (یا 172 از جمله 253 مورد اعلام شده) در رابطه به

72 مجازات برای جرایم «حدود» که معمولاً شلاق است، در اصل های 242 – 244، 245 – 262 و 268 – 279 ذکر گردیده است. 73 قانون جدید، اصل 135.

74 جزای سارق در مرتبه چهارم اعدام است. قانون جدید، اصل 279 (د).

75 نگاه کنید: اصلاحات عمومی قوانین کنترل مواد مخدر (اصلاح 2010).

76 عفو بین الملل. اعتیاد به مرگ. دسامبر 2011. مقاله 16. نگاه کنید:

http://www.amnesty.org.nz/files/Iranreport_AddictedtoDeath_AmnestyInternational.pdf

مطابق اصل 32 قانون ضد مواد مخدر، حکم اعدام باید به تایید نهایی دادگاه عالی و یا دادستان کل برسد.

مواد مخدر بوده⁷⁷ و در سال 2011، از دست کم 600 مورد اعدامی که توسط عفو بین المللی به ثبت رسیده است 488 یا 81% آن در رابطه با جرایم مواد مخدر بوده است.⁷⁸

در سال 2009 گزارشگر ویژه در فشرده گزارش خود در مورد اعدام های فراقانونی یا اعدام های خودسرانه به کشورها عضو یاد آوری کرد که بر اساس قوانین بین المللی، حکم اعدام برای جرایم مربوط به مواد مخدر باید لغو شود و حکم اعدام کسانی که در حال حاضر صادر گردیده است، باید به زندان تخفیف یابد.⁷⁹ همچنین سایر مقامات سازمان ملل، از جمله کمیسیون عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر و گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، اظهار داشتند که اعمال مجازات اعدام برای مرتکبین جرایم مربوط به مواد مخدر، نقض قوانین بین المللی محسوب می شود.⁸⁰ مقام اخیر الذکر گفت که به عقیده او، «جرایم مربوط به مواد مخدر به سطح جنایات جدی نمی رسد، بنابراین، اعمال مجازات اعدام برای مجرمین مواد مخدر نقض حق حیات، رفتار تبعیض آمیز و احتمالاً ... نقض حق کرامت انسانی محسوب می شود».

دبیر کل سازمان ملل متحد و گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران هر دو، در سال 2011 نگرانی خود را از سطح بالای اعدام ها در رابطه با جرایم مواد مخدر ابراز داشتند. در اکتبر 2011 کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد توصیه کرد که مقامات ایرانی باید لغو مجازات اعدام را مدنظر قرار دهد و یا دست کم قانون مجازات را اصلاح کنند تا مجازات اعدام صرفاً بر «جدی ترین جرائم» قابل اجرا باشد.⁸¹

77 عفو بین الملل می گوید که به اساس گزارش های موثق 300 مورد اعدام دیگر بعداً رخ داده است که اکثریت قریب آن در رابطه با مواد مخدر بوده است (این رقم درصدی اعدام شده گان در رابطه به مواد مخدر را به 80 درصد می رساند).

78 عفو بین الملل، اعتیاد به مرگ. دسامبر 2011. مقالات 19، 20. نگاه کنید: http://www.amnesty.org.nz/files/Iranreport_Addictedtodeath_AmnestyInternational.pdf.

79 گزارش گزارشگر ویژه در مورد صلاحیت های نامحدود قضات، خلاصه اعدام های خودسرانه. فیلیپ آلتون. کانون وکلای حقوق بشر سازمان ملل متحد. 29 مه 2009. A/HRC/11/2/Add.1، صفحه 188.

80 شخص اخیر الذکر گفت که «اعدام مجرمین مواد مخدر نقض حق برای زنده گی، رفتار تبعیض آمیز و ... ممکن نقض کرامت انسانی آنهاست.» گزارش گزارشگر ویژه در مورد شکنجه و سایر رفتار و مجازات وحشیانه، غیر انسانی و ظالمانه. 14 ژانویه 2009. A/HRC/10/44. پاراگراف 66.

81 دبیر کل. وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران. یادداشت دبیر کل A/66/374، 23 سپتامبر، 2011.

<http://daccess-ddsnyun.org/doc/UNDOC/GEN/N11/512/18/PDF/N1151218.pdf?OpenElement>;

وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل، A/66/362.

<http://daccessddsnyn.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/499/42/PDF/N1149942.pdf?OpenElement>

V. فروگزاری در تعیین قوانین مربوط به مجازات های جدی از جمله مرگ

در قوانین ایران تضاد ذاتی بین قانون مدون و صلاحیت های قاضی که بر منابع دینی (شریعت) و یا فتوای معتبر و یا احکام صادر شده مذهبی توسط روحانیون بلندپایه شیعه استوار است، وجود دارد. اصل *nulla poena sine lege* و یا هیچ مجازاتی بدون قانون وجود ندارد، یکی از شناخته شده ترین اصول در قانون ایران است.⁸² با توجه به اصل 36 قانون اساسی ایران، «حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و مطابق با قانون انجام شود».⁸³ اصل 166 قانون اساسی مشعر است که «احکام دادگاه ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر می گردد».⁸⁴

با این حال، ماده 167 قانون اساسی می گوید که «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید». گنجاندن قوانین اسلامی به عنوان یک منبع غیر مدون قانون مدنی یا کیفری در ماده 214 از قانون کیفری نیز ذکر گردیده است.⁸⁵

برای نخستین بار، مقرر مشخصی در قانون مجازات جدید شامل گردیده که صریحاً به قضات صلاحیت می دهد در صورتی که جرایم و یا مجازات در قانون مجازات مشخص نگردیده باشد، آنها می توانند با تکیه بر منابع دینی حکم صادر کنند. ماده 220 قانون جدید تصریح می کند در مواردی که در آن جرم «حدود» در قانون مشخص شده، قضات باید بر اساس ماده 167 قانون اساسی ایران حکم خود را صادر کنند.⁸⁶

با توجه به نظریات برخی از محققان ایرانی، این اصل با ماده 2 قانون جدید که تصریح می کند «جرم فعل و یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده باشد».⁸⁷

ماده 15 (1) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اظهار می دارد:

هیچ کس را نباید به دلیل انجام فعل و یا ترک فعلی که در قوانین ملی و یا بین المللی در زمان ارتکاب برای آن مجازات تعیین نشده است محکوم نمود. هیچ کس نباید به مجازات شدیدتر از آنچه که در زمان ارتکاب جرم برای آن تعیین شده است، محکوم گردد.

82 - نگاه کنید، به عنوان مثال، بهنام داریی زاده، نگاهی بر امور کیفری در ایران، دسامبر 2011، ص 5، قابل دسترس در: <http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000039-crisis-causing-elements-in-iran%E2%80%99s-judicial-system.html#.UCUpmJ1lQIQ>.

83 قانون اساسی ایران، ماده 36. اصل 32 قانون اساسی ایران مشعر است: «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند». قانون اساسی ایران، ماده 32.

84 همان، ماده 166. در اصل 169 قانون اساسی ایران آمده است: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود». قانون اساسی ایران، ماده 169.

85 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری. مصوب مجلس شورای اسلامی در 19 سپتامبر 1999. ماده 214. این ماده مشعر است: «دادگاه مکلف است حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابد و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و دادگاه ها نمی توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض یا ابهام قوانین مدون از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند».

86 قانون جدید، ماده 220.

87 نگاه کنید، به طور مثال، محمد حسین نیری. مسئله «سنگسار تا مرگ» در قانون جدید مجازات جمهوری اسلامی ایران. فوریه 2012، ص 4، قابل دسترس در:

<http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000059-the-question-of-stoning-to-death-in-the-new-penal-code-of-the-iri.html>.

سنگسار

تنش بین قانون مدون و قوانین شرعی (به عنوان یک منبع غیر مدون قانون) نقش محوری را در مباحثات پیرامون لغو مجازات سنگسار در اصلاحات قانون مجازات اسلامی داشت.⁸⁸ مطابق به قانون قبلی، جرم زنا مجازات سنگسار دارد. گروه های حقوق بشر اظهار می دارند که دولت ایران مجازات سنگسار را در مورد چندین مرد و زن از سال 1979 تا کنون اجرا کرده است.⁸⁹

اخیراً، این موضوع، پس از آنکه گروه های حقوق بشر توجه خود را روی پرونده سکینه محمدی آشتیانی، بانوی 43 ساله ای که به جرم زنا به سنگسار محکوم گردیده بود، متمرکز کردند به یک قضیه بزرگ بین المللی مبدل گشت.⁹⁰ پس از اعتراضات بین المللی، مقامات قضایی ایران اعلام کردند که حکم سنگسار سکینه آشتیانی را به حال تعلیق درآورده، اما کماکان حکم اعدام او به قوت خود باقی می ماند. بیم آن وجود دارد که مسوولین ممکن است او را به جای سنگسار، حلق آویز کنند.⁹¹

ظاهراً در پاسخ به فشارهای بین المللی و انتقاد مداوم گروه های حقوق بشر و زنان در داخل ایران، رئیس سابق قوه قضائیه، آیت الله محمود هاشمی شاهرودی، در سال 2008 بخشنامه ای را صادر کرد که در آن خواستار توقف اجرای مجازات سنگسار گردید. به گفته عفو بین الملل، با وجود صدور بخشنامه، دست کم پنج مرد و یک زن از آن زمان توسط مقامات توسط سنگسار اعدام گردیده اند.⁹² در سال 2008، مقامات قوه قضائیه با اشاره به این که بخشنامه صادر شده، مطابق قانون نبوده و در تضاد با قانون مجازات قرار دارد، آن را فسخ کردند. در سال 2008 مقامات قضایی ایران موضوع بحث برانگیز مجازات سنگسار را بعد از آن به بحث گرفتند که در پیش نویس

88 نگاه کنید: قانون قدیمی، ماده 89 - 107. مطابق به قانون قدیم مرد و زن محکوم به سنگسار، هر دو باید در گودالی فرو برده شوند، اما مرد تا کمر باید در خاک پوشانده شود و زن تا سینه. ماده 102. بزرگی سنگ در سنگسار نباید به حدی باشد که با اصالت يك يا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند. همان، ماده 104. هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زناي او به شهادت ثابت شده برای اجرای حد برگردانده می شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی شود. همان، ماده 103.

89 مطابق به عفو بین الملل، از سال 1979 به این طرف مقامات دست کم 77 زن و مرد را با سنگسار به قتل رسانیده اند. عفو بین الملل، ایران. اعدام با سنگسار، دسامبر 2010. <http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/095/2010/en/968814e1-f48e-43ea-bee3-462d153fb5af/mde130952010en.pdf> (نقل قول شده در مریم حسین خواه، اعدام زنان در قانون مجازات ایران: بررسی تأثیر جنسیت بر قانون با توجه به مجازات مرگ در قانون مجازات اسلامی جدید، 7 می 2012؛ ص 17-18، قابل دسترس در <http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000102-the-execution-of-women-in-iranian-criminal-law.htm>).

90 دیده بان حقوق بشر، اعلامیه خبری، «ایران: اعدام زنان به خاطر زنا را منع کنید»، 8 ژوئیه، 2010، قابل دسترس در:

<http://www.hrw.org/news/2010/07/07/iran-prevent-woman-s-execution-adultery>.

همچنان نگاه کنید: «ایران: اعتراف، مجازات سنگسار تمسخری بر عدالت» 13 اوت، 2010.

<http://www.hrw.org/news/2010/08/13/iran-confession-stoning-sentence-mockery-justice>.

91 سید کمالی دهقان، «سکینه محمد آشتیانی شاید در ایران دار زده شود». اخبار گاردین. 26 دسامبر، 2011.

<http://www.guardian.co.uk/world/2011/dec/26/sakineh-mohammadi-ashtiani-hang-iran>

92 به اساس گزارش ها، از زمانی که شاهرودی بخشنامه مذکور را به تصویب رساند، مقامات همچنان دو مرد و یک زن دیگر را که اصلاً به سنگسار محکوم شده بودند، به دار آویختند. عفو بین الملل، ایران. اعدام با سنگسار. دسامبر 2010.

<http://www.amnesty.org/en/library/asset/MDE13/095/2010/en/968814e1-f48e-43ea-bee3-462d153fb5af/mde130952010en.pdf>.

با استناد به مریم حسین خواه، اعدام زنا در قوانین کیفری ایران: بررسی تأثیر جنسیت در قوانین ناظر به مجازات در قانون جدید مجازات اسلامی، 7 مه 2010. نگاه کنید:

<http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000102-the-execution-of-women-in-iranian-criminal-law.html>.

قانون مجازات تذکر داده شد که این نوع مجازات «ممکن است به فساد و تخریب نظام منجر گردد» و توصیه کرد که مجازات مذکور با مجازات حلق آویختن و یا سایر روش های اعدام تعویض گردد.⁹³

در نهایت، اگر چه قانونگذاران مجازات سنگسار را برای جرم زنا در قانون اصلاح شده مجازات حذف کردند، اما این قانون در مورد مجازات این جرم ساکت است.⁹⁴

با وجود حذف این مقررات، تحلیلگردان حقوقی ایران بر این باورند که ماده 220 قانون مجازات جدید به قضات صلاحیت می دهد که با اتکا به قانون اساسی افرادی را مرتکب جرم زنا می گردند به مجازات سنگسار محکوم کنند.⁹⁵ آنان همچنین، به بحث هایی که پیرامون تصویب قانون جدید وجود داشت و به لحنی که در مواد 172 و 198 این قانون (که اعتراف و شهادت شهود را در بعضی از جرایم از جمله «حدود» مثل زنا) بکار رفته است، به عنوان نمونه های ثبوت بیشتر براین ادعا خود اشاره می کنند که قانونگذاران ایرانی قصد حذف مجازات سنگسار را از قانون مجازات جدید نداشته اند.⁹⁶

ارتداد

تطبیق ماده 220 قانون مجازات جدید و کاربرد قوانین غیر مدون دینی با جرم ارتداد که دارای مجازات اعدام می باشد نیز مرتبط می باشد. قضیه اخیر یوسف ندرخانی به وضوح مسئله تطبیق جرم ارتداد را در ایران به نمایش می گذارد. در سپتامبر 2010، یک محکمه ابتدایی ندرخانی، 33 ساله، کشیش یکی از کلیسا های پروتستانت در ایران را به جرم ارتداد به مرگ محکوم کرد. قاضی پرونده فیصله کرد که از آنجایی که ندرخانی در یک خانواده مسلمان زاده شده و سپس در سن 19 سالگی به مسیحیت گرویده است، مرتد می باشد. اما دیوان عالی ایران حکم اعدام او را ملغی اعلام کرده و پرونده او را برای بررسی بیشتر دوباره به دادگاه ابتدایی فرستاد. دیوان عالی به محکمه ابتدایی هدایت داده بود که برای کشف این موضوع که آیا ندرخانی پس از سن بلوغ (مطابق به قانون ایران 15 سالگی برای پسران) مسلمان بوده یا خیر و آیا از کرده خود توبه کرده است یا خیر، تحقیقات بیشتری را انجام دهد.⁹⁷

محمد علی دادخواه وکیل ندرخانی ادعا کرد که محاکمه موکلش به دلیل این که در قانون مجازات قبلی از ارتداد به عنوان یک جرم سخنی نرفته است، غیر قانونی می باشد. اما دیوان عالی استدلال او را به این دلیل رد کرد که عدم ذکر ارتداد به علت عدم تدوین آن در قانون مجازات بوده است و خاطر نشان ساخت که ارتداد به عنوان یک جرم توسط قانون شریعت و بنیانگذار جمهوری اسلامی آیت الله روح الله خمینی به رسمیت شناخته شده است.⁹⁸ اگر چه این حکم قبل از تصویب قانون

93 نگاه کنید، محمد حسین نیری. مسئله «سنگسار تا مرگ» در قانون جدید مجازات جمهوری اسلامی ایران. فوریه 2012:

<http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000059-the-question-of-stoning-to-death-in-the-new-penal-code-of-the-iri.html>.

94 نگاه کنید، قانون مجازات قبلی، ماده 98 تا 107.

95 شادی صدر، افراطی یا مدرن: فتوی خامنه ای درمورد سنگسار چه خواهد بود؟ 11 آوریل، 2012.

<http://justiceforiran.org/articles/english-radical-or-cosmetic-what-would-be-khameneis-fatwa-about-stoning-shadi-sadr/?lang=en>.

همچنان نگاه کنید، اعلامیه خبری عدالت برای ایران، تصویب قانون مجازات اسلامی: ایران به نقض حقوق بشر با استفاده از قانون ادامه می دهد. 30 ژانویه، 2012. <http://justiceforiran.org/news/ipc/?lang=en>.

96 نگاه کنید، محمد حسین نیری. مسئله «سنگسار تا مرگ» در قانون جدید مجازات جمهوری اسلامی ایران. فوریه 2012:

<http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000059-the-question-of-stoning-to-death-in-the-new-penal-code-of-the-iri.html>.

97 دیده بان حقوق بشر، اعلامیه خبری، «ایران: کشیش مسیحی به جرم ارتداد محکوم به اعدام است». 30 سپتامبر، 2011.

<http://www.hrw.org/news/2011/09/30/iran-christian-pastor-faces-execution-apostasy>.

98 همان.

مجازات جدید (و ماده 220) صادر شده بود، اما به نظر می رسد که این ماده زمینه حکم دادگاه را فراهم کرد تا با اتکاء به قانون شریعت حکم اعدام را برای افرادی که مرتکب جرایمی چون ارتداد می شود صادر کنند.

پرونده ندرخانی تاکنون تحت بررسی قرار دارد و قوه قضاییه حکم اعدام او را باطل اعلام نکرده است.⁹⁹

«علم قاضی»

قانون جدید مجازات مثل قانون مجازات قبلی به قضات اجازه می دهد تا نه تنها در حل مسایلی که در قانون صراحت دارد، بلکه در تجزیه و تحلیل شواهد و قراین نیز به «علم» خود اتکاء کنند.¹⁰⁰ ماده 210 قانون جدید مجازات اظهار می دارد «علم قاضی عبارت است از یقین حاصل از مستندات بین در امری که نزد قاضی مطرح است»¹⁰¹. در صورت عدم موجودیت اعترافات و یا شهادت توسط شاهدان عینی، قاضی می تواند بر اساس «علم» خود احکامی در رابطه با جرایم خاص صادر کند. با این حال، قانون تصریح می کند که حکمی که به اساس «علم» قاضی صادر می شود، باید متکی بر مستندات، به شمول شواهد ضمنی باشد و اعتقاد شخصی قاضی نمی تواند اساسی برای مجرم قرار دادن متهم گردد.¹⁰²

دیده بان حقوق بشر مواردی متعددی را مستند کرده است که در آن متهمان خلاصه رای محاکمه را در حالی دریافت کرده اند که قاضی دستورات دقیق قانون مجازات را در مورد مستندات در رابطه با چنین پرونده ها نادیده گرفته است. در عوض، قضات با استفاده از قوه ظاهر نامحدود خود به ازدیاد و یا حذف مستندات پرداخته و یا به مستنداتی تکیه کرده اند که نباید به عنوان سند جرم علیه متهم استفاده شود. به طور مثال، استفاده از اعترافات اجباری به عنوان یک سند جرم یکی از این نمونه هاست، در حالی که شواهدی قوی وجود دارد که اعترافات به زور شکنجه فیزیکی و یا فشار روانی از متهم اخذ گردیده اند. در برخی موارد، به عنوان مثال، دادگاه بدون در نظر داشت موجودیت و یا عدم موجودیت شواهد متهم را صرف به اساس «علم قاضی» به اتهام لواط محکوم کرده است. به علاوه، این ماده به قاضی اجازه می دهد تا به اساس پیشداوری فردی خود در مورد ظاهر و یا رفتار متهم حکم صادر کند.¹⁰³ در حقیقت این عمل قاضی را مبدل به شاهد اصلی علیه متهم می سازد، در حالی که متهم اجازه ندارد از قاضی سوال کرده و او را مورد استنطاق قرار دهد.

موجودیت و عمل به مقررات این بند که مطابق آن قاضی به عنوان یک شاهد در محکمه حضور یافته که می تواند علیه متهم شهادت بدهد، حق برخورداری از یک محاکمه عادلانه مطابق به ماده 14 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض می کند. همچنین این کار حق دسترسی متهم به «دادگاه صالح، مستقل و بی طرف» و حق دفاعیه و استجواب شهود علیه خود را نقض می کند.¹⁰⁴

99 در اوت 2012 ندرخانی مطلع شد که مقامات تصمیم گرفته اند او را مجدداً به جرم «راهزنی و اخاذی» محاکمه کنند. کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران، 17 اوت 2012، «نیوسف ندرخانی، کشیش محکوم به ارتداد این بار به اتهام اخاذی دادگاهی می شود»، قابل دسترس در:

http://www.iranhumanrights.org/2012/08/nadarkhani/ دیده بان حقوق بشر نمی تواند بطور مستقل خبر وارد کردن این اتهامات جدید را به جای اتهام ارتداد در پرونده ندرخانی تایید کند، و بر این باور است که حکم اعدام ندرخانی هنوز توسط قوه قضایی ایران باطل نشده است.

100 نگاه کنید، به عنوان مثال، قانون مجازات قبلی، ایران، ماده 120، ماده 120 قانون مجازات قبلی به حاکم شرع اجازه می دهد تا طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل می شود، حکم کند. این ماده در حقیقت به قاضی اجازه می دهد که با اتکاء به شواهد نظری نتیجه بگیرد که آیا جرم صورت گرفته یا خیر.

101 قانون جدید، ماده 210.

102 قانون جدید، ماده 210، تبصره و اصل 211.

103 نگاه کنید به دیده بان حقوق بشر، «ما نسل زنده به گور شده هستیم»، دسامبر 2010، قابل دسترس در: http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/iran1210webwcover_1.pdf.

104 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده 14.

IV. مقررات مبهم و بیش از حد کلی که حق استفاده از حقوق اساسی را جرم می داند

قانون اصلاح شده مجازات قوانین مبهم و بیش از حد کلی امنیت ملی که براساس آن مقامات می توانند مخالفین سیاسی و کسان دیگر را به دلیل استفاده از حقوق اساسی آنها مانند حق آزادی بیان، انجمن ها، اجتماعات و آزادی مذهب، تعقیب، محاکمه و زندانی سازند، را حفظ کرده است. همچنین، این قانون به صورت نگران کننده ای تعریف جرم «افساد فی الارض» را که بیش از حد کلی و مبهم بوده و مقامات از آن برای اعدام مخالفین سیاسی و منتقدان دولت استفاده می کند، توسعه داده است.

در حال حاضر، ایران چندین صد تن از مخالفین سیاسی را که از آن عنوان زندانیان متهم و محکوم به حبس های طولانی مدت یاد می کند، به دلیل استفاد از حق آزادی بیان، انجمن ها و اجتماعات بازداشت کرده است. دادستان ها بسیاری از این بازداشت شدگان را به جرم مبهم و کلی امنیت ملی و یا «ضد تروریسم» که بعضی از آن مجازات مرگ در پی دارد، متهم کرده است. مقامات با محاکمه افراد متهم به جرائم ضد امنیت ملی در دادگاه های انقلاب و نگهداری آنان برای مدت طولانی در زندان های انفرادی قبل از محاکمه؛ از دسترسی منظم آنان به وکلای شان جلوگیری کرده و آنان را در معرض شکنجه و بدرفتاری قرار می دهند.

بر اساس مواد 186 و 190-91 قانون مجازات قبلی، درواقع قوانین ضد تروریسم آن کشور، هر کسی که علیه دولت اسلحه بگیرد و یا عضو سازمانی باشد که علیه دولت به فعالیت های مسلحانه اقدام کرده است، به جرم «دشمنی با خداوند» به اعدام محکوم می گردد. مقامات بعضی اوقات از جرم «افساد فی الارض» به عوض جرم «محاربه» برای محکوم کردن مخالفان استفاده کرده است. این هر دو جرم تعریف یکسان و مشابه دارند. همچنین، یکی از جدی ترین انتقاداتی که درمورد قانون قبلی وجود داشت این است که این قانون از تفکیک بین کسانی که عضو سازمانی که دست به خشونت زده و اسلحه برداشته اند با کسانی که صرفاً عضو و یا (طرفدار) سازمانی اند که تمایل خود را برای شرکت در مبارزات مسلحانه برای رسیدن به هدف خود اعلام کرده اند، اما در عمل هیچ گاهی به عملیات خشونت آمیز متوسل نگردیده اند، فروگزاری کرده است.¹⁰⁵ هر دو نوع از این افراد به اعدام (و یا مجازات بیرحمانه دیگری مثل قطع اعضای بدن، به صلیب کشیدن و یا تبعید در داخل کشور) محکوم می گردند.

دیده بان حقوق بشر موارد متعددی را مستند کرده است که در آن دادگاه های انقلاب افراد را به جرم «محاربه» به اعدام محکوم کرده است، درحالی که کوچک ترین شواهدی مبنی بر دست داشتن متهم به خشونت وجود نداشته است و دادگاه تنها بر اساس رابطه نهایت شکننده متهم به آن سازمان (مانند گرایش و یا ستایش از آرمان های آن) وی را به اعدام محکوم کرده است. دیده بان حقوق بشر همچنین، مواردی را ثبت کرده است که نیروهای امنیتی در پرونده های مربوط به امنیت ملی از شکنجه، از جمله فشار های روانی و جسمانی، برای گرفتن اعتراف از متهم استفاده کرده است و دادگاه ها نیز بر اساس محاکماتی که در آن دادستان ها از ارائه هرگونه سند قانع کننده دیگر عاجز مانده و تنها براعترافات متهم برای ثبوت اتهام تکیه کرده اند، افراد را به «محاربه» محکوم کرده اند.

به عنوان مثال، در 15 ژانویه 2011، گروه های حقوق بشری ایران گزارش دادند که مقامات حسین خضری را بر اساس فیصله دادگاه انقلاب به جرم «محاربه» اعدام کرده اند. رسانه های مربوط به دولت در آن روز خبر دادند که مقامات زندان در استان آذربایجان غربی یکی از اعضای حزب حیات آزاد کردستان را که یک گروه

¹⁰⁵ نگاه کنید، به عنوان مثال، قانون مجازات قبلی، ماده 186 که اظهار می دارد، «هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آنها باقی است تمام اعضاء و هوا داران آن، که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.» قانون مجازات اسلامی، ماده 186.

نظامی کردهای ایرانی است، به دار آویختند، اما هویت او را اعلام نکردند. محمدعلیایی فرد وکیل خضری قبلاً گفته بود که خضری در آوان جوانی به حزب حیات آزاد کردستان در عراق پیوسته بود، اما هیچ گاهی عضو شاخه نظامی نشده بود، اما تحت شکنجه بازپرسان مجبور شده است اعتراف کند که وی در حملات خشونتبار سال 2008 دست داشته است.¹⁰⁶

در 9 ماه مه 2010، مقامات پنج زندانی را که چهار نفر آنان کُرد و متهم به داشتن رابطه با یکی از گروه های مسلح کردی بودند اعدام کردند. مقامات از اعلام خبر اعدام آنان به وکلای آنان فروگزاری کرده و از تحویل اجساد آنان به خانواده های شان برای خاکسپاری نیز جلوگیری کردند. دیده بان حقوق بشر موارد متعدد رفتار غیرقانونی، از جمله موارد موثق شکنجه، اخذ اعترافات اجباری و عدم دسترسی لازم به وکیل، را در جریان محاکمه این افراد مستند ساخت.¹⁰⁷

از ژانویه 2010 تاکنون، مقامات دست کم 36 نفر را به جرم دشمنی با خداوند، ظاهراً به دلیل رابطه آنان با گروه های مسلح و یا تروریستی، اعدام کرده اند. دست کم 28 زندانی کرد به اتهامات مختلف مربوط به امنیت ملی، به شمول محاربه، در انتظار اعدام به سر می برند.¹⁰⁸

ماده جدید «محاربه»

قانون جدید جرم محاربه را که مسوولین از آن به عنوان اقدام «علیه تروریسم» یاد کرده و مقامات از آن برای سرکوب مخالفان استفاده می کنند، حفظ کرده است. مواد 280 تا 286 جرم «محاربه» و مواد 287 تا 289 جرم بغی را تعریف می کنند.¹⁰⁹ اما قانون جدید تعریف جرم «محاربه» را محدود به کسانی می سازد که با کشیدن سلاح به قصد جان، مال، یا ناموس مردم موجب ناامنی و یا تهدید آنان شود.¹¹⁰ این تعریف به طور چشمگیری از تعریف موجود در قانون قبلی متفاوت است که مطابق به آن هر کسی که عضو یک گروه مخالف (به شمول گروه های سیاسی) می بود و دست به فعالیت های مسلحانه و یا تروریستی علیه دولت می زد به مجازات اعدام محکوم می گردید. در قانون جدید سرقت و قاچاق در صورتی که مسلحانه صورت بگیرد، از جمله جرم محاربه به حساب می آید.¹¹¹ همانند قانون قبلی، مجازات این جرم اعدام، قطع اعضای بدن، به صلیب کشیدن (طوری که موجب مرگ نگردد) و یا تبعید در داخل کشور و در حیطه صلاحیت و صوابدید قاضی می باشد.¹¹²

106 دیده بان حقوق بشر، «ایران: اعدام فعال کردی را متوقف کنید»، 30 آوریل، 2011.

<http://www.hrw.org/news/2011/04/30/iran-halt-execution-kurdish-activist>.

107 دیده بان حقوق بشر، «ایران: اعدام مخالفان، و «شکنجه» برای اعتراف»، 11 مه، 2010.

<http://www.hrw.org/en/news/2010/05/11/iran-executed-dissidents-tortured-confess>.

108 کمپین بین امللی حقوق بشر در ایران، «28 زندانی کرد محکوم به اعدام در 5 زندان کشور»، 10 اوت 2012، قابل دسترسی در: <http://www.iranhumanrights.org/2012/08/execution-list>؛ همچنین نگاه کنید به دیده بان حقوق بشر، «ایران: بی اعتنایی مقامات به سابقه حقوق بشر»، 11 ژانویه 2012.

<http://www.hrw.org/news/2012/01/22/iran-authorities-defiant-rights-record>.

109 قانون جدید، ماده 280 – 286، 287 – 289. در قانون جدید جرایم افساد فی الارض و بغی هر دو تحت یک گروه تعریف گردیده اند (چنان که در قانون قبلی افساد فی الارض و محاربه در یک گروه دسته بندی گردیده بودند). اما این هر دو، دو جرم مختلف بوده و هر کدام عناصر مختلفی دارند.

110 همان، ماده 280. در قانون قبلی تعریف «دشمنی با خداوند» شامل کسانی نیز می گردید که علیه دولت دست به اسلحه می بردند و یا عضو سازمانی بودند که علیه دولت مبارزه مسلحانه می کردند. قانون قبلی، ماده 183 – 188.

111 قانون جدید، ماده 282.

112 همان، ماده 263.

ماده جدید «بغی»

قانون جدید یک جرم کاملاً جدیدی را تحت عنوان «بغی» ایجاد نموده که هدف آن افرادی می باشد که علیه دولت دست به اسلحه می برند.¹¹³ این ماده اظهار می دارد که هر گروهی در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد و برای پیشبرد اهداف خود قیام مسلحانه کند، بغی محسوب گردیده و اعضای آن در صورت استفاده از سلاح به مجازات اعدام محکوم می گردند.¹¹⁴ در مواردی که مقامات اعضای یک گروه مسلح و یا تروریستی را که تاکنون دست به اسلحه نبرده و اقدام به خشونت نکرده است را دستگیر می کنند، دادگاه اعضای آنان را به مجازات هایی که بیشتر از 15 سال زندان نباشد محکوم می کند.¹¹⁵ بخش دوم این ماده نسبت به ماده 186 در قانون قبلی یک بهبودی را نشان می دهد که بین اعضای گروه های مسلح و «تروریستی» که مسلح بوده و از آن استفاده می کنند با آنانی که دست به اسلحه نبرده، تمایز قایل می شوند.

تعریف های جدید و سختگیرانه تر از «محاربه» و «بغی» الزاماً مانع استفاده از حقوق اساسی انسان ها که در قوانین بین المللی به رسمیت شناخته شده است، نمی شود. اما مجازات هایی که برای این جرائم در نظر گرفته شده است مانند (اعدام، قطع اعضای بدن و یا به صلیب کشیدن) حق حیات (به ویژه در مواردی که جرم منجر به قتل کس دیگر نشده باشد) را نقض کرده و تخطی از میثاق منع شکنجه و رفتار بیرحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز محسوب می گردد.

ماده جدید «افساد فی الارض»

قانون جدید، با گسترش وسیع جرم «افساد فی الارض» که مجازات آن مرگ است، تمام بهبودهای بوجودآمده در مورد ماده «محاربه» را در قانون جدید برپا داده است. چنانچه قبلاً خاطر نشان گردید، براساس قانون قبلی، دادستان ها در مجموع از اتهام های دشمنی با خداوند و افساد فی الارض علیه کسانی که (با سازمان های تروریستی «ارتباط») و یا در فعالیت های تروریستی دست دارند استفاده می کردند. اما مطابق به تعریف جدید دادگاه می تواند کسی که «مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک و یا ... سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد».¹¹⁶

این تعریف جدید با آن که جرایم جدی علیه امنیت ملی و سایر جرایم سازمان یافته، مثل دایر کردن مراکز فحشاء و فساد، و اختلاس، را بر می شمارد، اما معیاری برای تشخیص این که جرایم مذکور چه وقت و چگونه «موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور» می گردد، ارائه نمی دهد. این یک کاستی جدی در قانون جدید است، زیرا هر کسی که به «گسترش فساد» محکوم گردد، به شکل خودکار شامل مجازات جرم «حدود» گردیده و به اعدام محکوم می گردد. گروه های حقوق بشر همچنین نگران اند که ماده فوق ممکن است فعالیت های (مانند نشر «اکاذیب») را که مطابق با حق آزادی بیان باید مجوز انتشار داشته باشد را در جمله جرائمی که مجازات آن اعدام اند قرار دهد.

¹¹³ در قانون قبلی مبارزه مسلحانه جزئی از عناصر جرم «محاربه» محسوب می شد، اما در قانون جدید این جرم تعریف و ماده مستقل به خود را دارد.

¹¹⁴ همان، ماده 288.

¹¹⁵ همان، ماده 289.

¹¹⁶ همان، ماده 287.

شادی صدر یکی از وکلا و مدافع حقوق بشر ایرانی که مجبور شد بعد از انتخابات بحث برانگیز ریاست جمهوری 2009، ایران را به دلیل فشار روز افزون دولت بر او و خانواده ترک کند، در رابطه با تعریف جدید گسترش فساد در قانون جدید به دیده بان حقوق بشر گفت:

خطرناک ترین تغییری که قانون جدید کرده و چندان توجهی هم به آن نشده، نسعت دادن تعریف افساد فی الارض و جدا کردن آن از محاربه است. تا پیش از این، محاربه و افساد فی الارض به معنای این بود که شخص عملیات مسلحانه انجام داده باشد یا اینکه عضو گروه مسلح باشد. اما در این قانون، افساد فی الارض را جدا کرده اند و شامل همه چیز حتی فرستادن ایمیل به مخالف حکومت به طور وسیع و گسترده می شود و برایش مجازات اعدام گذاشته اند. به این ترتیب دیگر لازم نیست برای محکوم کردن فعالان سیاسی، آنها را به مجاهدین، پژاک یا سایر گروه های مسلح متناسب کرد و به آسانی امکان صدور حک اعدام برای مخالفان فراهم شده است.¹¹⁷

در قانون جدید «افساد فی الارض» آن چنان گسترده و در بعضی موارد آن چنان مبهم تعریف گردیده است که ابتدایی ترین مبادی حقوق بشر، مانند آزادی بیان، انجمن ها و اجتماعات که توسط قوانین بین المللی محفوظ شناخته شده اند را نقض می کند. این ماده جدید، همچنین با در نظر گرفتن مجازات اعدام برای جرائمی که «بسیار جدی» مطابق به قوانین بین المللی محسوب نمی شوند، حق حیات را نقض می کند.

قوانین جنجال برانگیز امنیت ملی ثابت مانده است

در قانون جدید هیچ تغییری در مورد سایر جرائمی که تحت عنوان «جرائم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» (یا قوانین مربوط به امنیت ملی) به صورت بسیار عام و مبهم تعریف گردیده اند و اکثر آنها استفاده از ابتدایی ترین حقوق انسان را جرم می داند، به وجود نیامده است. نمونه های بارز این گونه جرایم سیاسی عبارت اند از «تجمع و تبنای علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام»، «اخلال نظم عامه»، «عضویت در گروه غیرقانونی»، «شرکت در تجمعات غیرقانونی»، «توهین به رهبر» و «نشر اکاذیب». دادگاه ها در مجموع افراد متهم به این گونه جرایم را به زندان های طویل المدت تا 25 سال، شلاق زدن، تبعید در داخل کشور، و ممنوعیت از کار محکوم می کنند.

در حقیقت، بخش مربوط به قوانین امنیتی که در اصلاحات وارده در قانون جدید مجازات دست ناخورده باقی مانده است، یکی از اساسی ترین ابزار حقوقی دولت برای سرکوب مخالفان سیاسی است.¹¹⁸ این قانون آن چنان عام تنظیم گردیده است که به دولت اجازه می دهد تا بسیاری از فعالیت های صلح آمیز و مربوط به آزادی بیان را تحت پوشش قانونی حفظ امنیت ملی مجازات کند. از تصویب قوانین مربوط به جرائم امنیت در سال 1996 تاکنون، دولت توانسته است به شکل منظم منتقدین تصویری خود را دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار دهند.

قوانین مربوط به امنیت ملی با ممنوعیت آزادی بیان، انجمن ها، اجتماعات به اشکال مختلف، به دولت اجازه می دهد تا فعالیت های مذکور را به شکل غیرعینی در جمله اعمال «ضد» ملی و امنیتی محسوب کند. ماده 498 قانون مجازات ایجاد هر گونه دسته، جمعیت و یا شعبه ای که هدف آن «برهم زدن امنیت کشور» باشد را غیر قانونی اعلام می کند.¹¹⁹ ماده 500 هر کسی که علیه «جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه ها و سازمان های مخالف به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید» به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می کند. ماده 610 «تجمع و تبنای بر ضد امنیت ملی کشور و فراهم آوردن وسایل ارتکاب این عمل» را جرم قرار داده و مرتکب آن را به مجازات دو تا

117 مکاتبات ای میل دیده بان حقوق بشر با شادی صدر، 23 مه، 2012.

118 قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب 9 مه، 1996.

119 قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب 9 مه، 1996. ماده 498.

پنج سال حبس محکوم می‌کند.¹²⁰ ماده 618 حرکاتی که موجب «اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را کسب و کار باز دارد» را جرم قلمداد می‌کند.¹²¹

دولت همچنین برای سرکوب مخالفان تصویری خود بر مواد 513 و 514 قانون مجازات قبلی تکیه می‌کند. ماده 513 قانون مجازات قبلی «هر نوع توهین» به یکی از «مقدسات اسلام» و یا یکی از چهره های مقدس اسلام و ماده 514 «توهین» علیه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آیت الله خمینی، و رهبر فعلی نظام، آیت الله خامنه ای، را جرم می‌داند. در حالی که هیچ یکی از مواد فوق «توهین» را تعریف نمی‌کند.¹²²

به همین ترتیب، دولت ایران همچنین از مواد مربوط به امنیت ملی و قانون مجازات قبلی برای سرکوب مخالفان و محدود سازی آزادی بیان از حد بسیار محدودی که در قوانین بین المللی مجاز شمرده شده است استفاده می‌کند. این ماده ها در قانون مجازات جدید بدون تغییر باقی مانده است. به عنوان نمونه، «توهین» به رهبر نظام یک جرمی با مجازات سنگین می‌باشد. این ماده در واقع هر نوع ارزیابی انتقادی از کارکردهای رهبر که مهم ترین و با قدرت ترین مقام در دولت ایران هست را ممنوع می‌کند.¹²³ در فقدان یک تعریف موجود از کلمه «توهین» در این قوانین، مقامات می‌توانند از هردوی این ماده ها و ماده ای که «توهین» به «مقدسات اسلامی» را منع می‌کند، به صورت عموم برای ممانعت از انتقاداتی که از سیاست های کنونی دولت ایران صورت می‌گیرد استفاده کنند.¹²⁴

قانون اساسی ایران هیچ نوع محافظت تاثیرگذاری در قبال این قوانین مبهم کیفری در نظر نگرفته است. در حالی که قانون اساسی حقوق اساسی انسان ها از جمله آزادی بیان، انجمن ها و اجتماعات را به رسمیت می‌شناسد، اما موارد استثنا موجود در قوانین کیفری که بسیار عام و مبهم اند، همواره حق استفاده از این حقوق را محدود می‌سازد. اصل 24 قانون اساسی ایران حق آزادی بیان و مطبوعات را در صورتی که «مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی که قانون تفصیل آن را معلوم می‌کند» نباشد به رسمیت می‌شناسد.¹²⁵ اصل 26 آزادی احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی را مشروط به این که «اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند» تضمین می‌کند.¹²⁶ اصل 27 حق تشکیل اجتماعات و راه پیمایی را مشروط بر آن که «مخل به مبانی اسلام نباشد» تضمین می‌کند.¹²⁷

120 همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب و مه، 1996، ماده 610.

121 همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب و مه، 1996، ماده 618.

122 همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب و مه، 1996، ماده 513 و 514.

123 قانون مجازات قبلی، کتاب پنجم، مصوب و مه 1996، ماده 514.

124 همان، قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم، تعزیرات و مجازات بازدارنده، مصوب و مه، 1996، ماده 513 و 514.

125 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 24.

126 همان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 26.

127 همان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده در 24 اکتبر 1979، اصلاح شده در 28 ژوئیه 1989، اصل 27.

VII. مجازات هایی که برابر با شکنجه اند

قانون اصلاح شده، مجازات های کیفری که برابر با شکنجه، رفتار ظالمانه، برخورد غیر انسانی با محکومین می شود را حفظ کرده است. بیشتر جرایم حدود در قانون مجازات جدید و قانون قبلی برای جرایمی مانند زنا، لواط، مصرف مشروبات الکلی و قوادی (دلالی جنسی) مجازات های اعدام و یا شلاق را تجویز می کند. رابطه جنسی بین دو همجنس که دخول صورت نگرفته باشد و همجنسگرایی بین زنان (به شمول خوابیدن با یکدیگر به صورت برهنه و یا بوسیدن) نیز مجازات شلاق را به دنبال دارد.¹²⁸

مطابق به ماده 283 قانون جدید، در صورتی که قاضی یک فرد متهم به «محاربه» را مجرم بشناسد، می تواند او را به مجازات قطع دست راست یا پای چپ و یا به صلیب کشیدن (طوری که منجر به مرگ او نگردد) محکوم کند.¹²⁹ «جرایم قصاص» براساس نظریه «چشم در برابر چشم» در ایران بنا شده است و به فردی که قربانی جراحات جدی ناشی از یک عمل جنایی گردیده است، اجازه می دهد تا قصاص را در مورد فرد مجرم با قطع اعضای مختلف بدن او مثل بازوها، پاها و یا کور کردن چشمش به منصفه اجراء بگذارد. با آن که مجازات «قصاص» مانند قطع اعضای بدن، و یا کور کردن مجرم در ایران به ندرت صورت گرفته است، اما مقامات در موارد مختلفی آن را در 31 سال گذشته تطبیق کرده اند. در چند سال گذشته، دادگاه های ایران در موارد جرایم «قصاص» اجازه داده اند که فرد قربانی شخص مجرمی را که باعث کوری (معمولاً در موارد اسید پاشی) او شده است کور کند. اما دیده بان حقوق بشر اطلاع ندارد که آیا مقامات این مجازات را اجرا کرده است و یا خیر.¹³⁰

چنانکه قبلاً ذکر شد، با وجودی که قانونگذاران مجازات سنگسار را از قانون جدید در رابطه با زنا حذف کرده اند، ماده 220 قانون جدید به قاضی اجازه می دهد که فرد زناکار را با اتکاء به قوانین شرع و یا فتوای مراجع عالی مقام فقهی شیعه،¹³¹ به سنگسار محکوم کند. گذشته از آن، مواد 172 و 198 قانون جدید که موضوع اعترافات و شهادت شهود در مورد جرائم «حدود» مثل زنا را به بحث می گیرد، هنوز هم به مجازات سنگسار اشاره می کند.

بر اساس قوانین بین المللی مجازات شدید بدنی از جمله شلاق زدن، سنگسار، و قطع اعضای بدن برابر است با شکنجه، و رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و اهانت آمیز. کمیته حقوق بشر یاد آور شد که مجازات شکنجه و یا رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی، و اهانت آمیز «نه تنها به اعمالی گفته می شود که باعث درد فیزیکی قربانیان شده، بلکه به اعمالی که باعث درد و رنج روانی قربانیان می شود نیز اطلاق می گردد».¹³² کمیته خاطر نشان ساخت که این ممنوعیت شامل تحمیل «تنبیهاات فیزیکی، از جمله قراردادن بیش از حد محکوم در یک وضعیت عذاب آور به عنوان نوع مجازات، یا دستور آموزشی و یا اقدام انضباطی» نیز می شود.¹³³ در ارتباط با غیر

128 نگاه کنید، به طور مثال، ماده 228، کمتر از چهار بار اعتراف به زنا.

129 قانون جدید، ماده 283. قاضی صلاحیت دارد تا نوع مجازات را تعیین کند. همان، ماده 284. قطع عضو برای دیگر جرایم «حدود»، مثل سرقت، الزامی است. نگاه کنید، قانون جدید، ماده 279.

130 در مه 2011، آمنة بهرامی که عاشق حسودش به رویش تیزاب پاشیده بود، او را که قرار بود به زودی کور شود، عفو کرد. در عوض او تقاضای «دیه» کرد. د تلگراف، «مردی ایرانی ای که دانش آموزی را کور کرده بود از عدالت «چشم در برابر چشم» نجات یافت»، 31 ژوئیه، 2011.

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/8789456/Eye-for-an-eye-Iran-court-orders-waiter-blinded.html>

131 نگاه کنید، قانون قبلی. ماده 89 - 107. در مورد توضیح این که سنگسار چگونه باید صورت می گیرد نگاه کنید، به پانویسی 88.

132 کمیته حقوق بشر، تبصره کلی 20، ماده 7 (نشست چهل و چهارم، 1992)، تدوین تبصره های کلی و پیشنهادات عمومی تصویب شده توسط دفتر معاهدات سازمان ملل، اسناد سازمان ملل، پاراگراف 5. 5 (1994)، U.N. Doc. HRI/GEN/1/Rev.1 at 30

133 همان

قانونی بودن مجازات تنبیهی، گزارشگر ویژه در مورد شکنجه به طور خاص گفت که این نوع مجازات حتی اگر بر مبنای قانونی که از دساتیر مذهبی نشئت گرفته باشد صادر شود نیز ممنوع است و افزود که «کشورهایی که قوانین مذهبی را اجرا می‌کند مجبور اند که این قوانین را طوری صادر کنند که از تطبیق ... تنبیهات بدنی در عمل اجتناب کنند».¹³⁴

باید یادآور شد که بر اساس قانون جدید، مانند قانون قبلی، مجازات های چون شلاق، قطع اعضای بدن و سنگسار حتی بر کودکان مجرم که زیر سن 18 قرار دارند و ظاهراً مرتکب جرم گردیده اند قابل تطبیق است.

134 گزارش گزارشگر ویژه، کمیسیون حقوق بشر، نشست 53ام، موضوع 8 ویا. (1997) E/CN.4/1997/7 Doc. U.N. Item 8(a).

IIIV. قوانین تبعیض گرایانه

اصلاحات وارد در قانون مجازات جدید، قوانین تبعیض گرایانه گذشته علیه زنان و اقلیت های مذهبی را در رابطه با اجرای مجازات، قصاص، جبران خسارت و شهادت در دادگاه ها تقویت می کند. نمونه های این موارد تبعیض آمیز را می توان در تحمیل مجازات شدیدتر (از جمله اعدام) بر مجرمین غیر مسلمان که به همجنسگرایی محکوم شوند، پرداخت غرامت کمتر برای زنان و غیر مسلمانان (و خانواده های آنان) که قربانی جنایت دیوی شوند، و شهادت دادن زن که برابر با نیم شهادت مرد در دادگاه محسوب می شود، مشاهده کرد.¹³⁵

چنانچه قبلاً گفته شد، برخورد متفاوت با پسران و دختران در رابطه با سن بلوغ و سن مسئولیت کیفری شاید بی پرده ترین نوع برخورد تبعیض میان دختران و پسران در قانون مجازات قبلی و جدید باشد. قانون مجازات جدید به صراحت سن مسئولیت کیفری را سن بلوغ مطابق به شریعت می داند که 9 سال برای دختران (هشت سال و نه ماه مطابق با تقویم قمری) و 15 سال برای پسران (14 سال و هفت ماه مطابق با تقویم قمری) می باشد.

در قانون جدید (مانند قانون قبلی) تعریف «متاهل» برای مرد (به منظور اعمال مجازات جرائم «حدود» در مورد ارتکاب عمل جنسی خارج از حلقه زوجیت) با تعریف آن برای زن از هم کمی متفاوت است. بر اساس ماده 227، به عنوان نمونه، مردی که مرتکب زنا محصنه می گردد، در حالی که هنوز با همسر خود همبستر نشده و دخول صورت نگرفته است، مجازات اعدام در مورد او صادر نمی گردد، بلکه به مجازات 100 ضربه شلاق محکوم می گردد.¹³⁶ در قانون چنین ماده ای برای زنی که مرتکب زنا می گردد، وجود ندارد و او (صرف نظر از این که با شوهر خود رابطه جنسی داشته است یا خیر به اعدام محکوم می گردد). علاوه بر این، این قانون به طور خاص اعمال مجازات جرائم «حدود» را تنها بر مردی که مرتکب زنا شده و زن دایمی دارد و نه موقت، محدود می سازد.¹³⁷

ماده دیگر این قانون جدید، ماده 233، «ازدواج» را بیشتر با توجه به جرم «لواط» تعریف کرده و اعا می کند که ازدواج برای یک مرد عبارت است از داشتن «همسر دائمی و «بالغ»، و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد، و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.¹³⁸ باز هم این ماده بر زنان قابل تطبیق نیست.

به اساس ماده 303 قانون جدید، قضات نمی توانند حکم قصاص را در مورد پدر و پدر بزرگی که مرتکب قتل فرزندان خود شوند، صادر کنند.¹³⁹ افزون بر آن، ماده 303 قانون جدید، برای اعمال مجازات قصاص اما و اگر

¹³⁵ برای مطالعه مباحثات در مورد مواد تبعیض آمیز در قانون جدید علیه زنان نگاه کنید به مریم حسین خواه. اعدام زنان در قانون کیفری ایران: بررسی تأثیر جنسیت بر قوانین ناظر بر اعدام در قانون جدید مجازات اسلامی. 7 مه، 2012. <http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000102-the-execution-of-women-in-iranian-criminal-law.html>

¹³⁶ قانون جدید، ماده 227.

¹³⁷ مطابق به قوانین ایران، مردان حق دارند تا چهار زن داشته باشند. در عین زمان ایران صیغه یا ازدواج موقت را نیز اجازه داده است. قانون تنها به مردان اجازه داده است که زن موقت داشته باشند و چنین امتیازی به زنان داده نشده است.

¹³⁸ قانون جدید، ماده 233.

¹³⁹ قانون جدید، ماده 303. بعضی از تحلیلگران حقوقی می دانند که این ماده قانون به ویژه در مورد زنان تبعیض آمیز است، زیرا بیشتر این دختران و زنان اند که توسط پدران خود معمولاً در جریان «قتل های ناموسی» کشته می شوند. نگاه کنید، مریم حسین خواه، اعدام زنان در قانون کیفری ایران: بررسی تأثیر جنسیت بر قوانین ناظر بر اعدام در قانون جدید مجازات اسلامی. 7 مه، 2012.

های زیادی را بر می شمارد که یکی از آن ها «جرایم احساسی» اند که مرد زن خود را در حالت زنا با کسی دیگر ببیند. در این شرایط، قانون به مرد اجازه می دهد که وی همسر و مردی که با او عمل زنا را انجام داده است را به قتل برساند، بدون آن که مشمول مجازات قصاص شود.¹⁴⁰ هیچ یک از استنهاها و اما و اگر های ذکر شده در بالا در مورد «جرایم قصاص» بر زنان قابل تطبیق نمی باشد.

به اساس ماده 383 قانون جدید، در صورتی که مقتول یک زن و مجرم یک مرد باشد، نزدیکان قربانی قبل از اجرای مجازات قصاص، نخست باید نیم دیه کامل را بپردازند تا مجازات قصاص را اجرا کند. در صورتی که یک مرد غیر مسلمان یک زن مسلمان را به قتل برساند، قاتل مستحق دریافت نیم دیه کامل قبل از قصاص از جانب زن مسلمان نمی گردد.¹⁴¹

همچنین، قانون جدید مواد تبعیض آمیز در رابطه با ارزش شهادت زنان به عنوان شاهد در دادگاه را که در قانون قبلی وجود داشت حفظ کرده است. شهادت یک زن در دادگاه، عموماً برابر است با شهادت نیم مرد. به طور مثال، ماده 198 قانون جدید اظهار می دارد که شهادت دو مرد برای ثبوت بیشتر جرایم الزامی است، اما در موارد زنا و یا فحشاء شهادت دو مرد و چهار زن (که شاهد قضیه بوده اند) را الزامی می باشد. برای صدور مجازات اعدام، شهادت سه مرد و دو زن الزامی است.¹⁴²

صدور مجازات کیفری به شکل غیر متناسب علیه زنان، تبعیض می باشد. قوانین بین المللی اصل برابری در برابر قانون را تضمین می کند و هر گونه تبعیض را ممنوع می کند. برخورد متفاوت که به شکل بی پرده در قانون تدوین شده باشد و تاثیر مخرب و بازدارنده ای در مقابل زنان داشته باشد (نقض قوانین بین المللی محسوب شده)، مگر آن که دولت نشان دهد که این عمل برای تحقق یک هدف مشروع صورت گرفته و اقدامات اتخاذ شده متناسب با هدف می باشد. مقامات ایرانی نتوانسته اند چنین توجیهی را ارائه دهند.

<http://www.iranhrdc.org/english/publications/legal-commentary/1000000102-the-execution-of-women-in-iranian-criminal-law.html>

140 در چنین قضایا قاتل زندانی می شود.

141 قانون جدید، ماده 283.

142 قانون جدید، ماده 198. این ماده همچنین اظهار می دارد که هرگاه دو مرد و چهار زن در مورد زنا (که مجازاتش اعدام است) شهادت دهند، مجازات جرم صرف شلاق میباشد. در مورد سایر قضایای که مربوط به پرداخت دیه می شود، شهادت یک مرد و دو زن پذیرفته می شود.

تقدیر و تشکر

این گزارش توسط فراز صانعی، محقق بخش خاور میانه و شمال آفریقای دیده بان حقوق بشر پژوهش و نگاشته شده است. سارا لی ویتسون، مدیر شرق میانه و شمال آفریقا، لیزل گیرنتولتز، مدیر بخش حقوق زنان، و پریانکا موتاپارتی، پژوهشگر در بخش حقوق کودکان کار ویرایش این گزارش را انجام داده اند. کلایو بالدوین، مشاور ارشد حقوقی دیده بان حقوق بشر، و تام پورتیوس، معاون مدیر برنامه، گزارش را بررسی کرده اند. آروا عبدالمولا همکار در بخش خاور میانه و شمال آفریقا در تولید آن کمک کرده و گریس چوی، مدیر انتشارات، مدیر پست فتنیزوری هیپکنیز، و مدیر تخلیق آنا لوپریور گزارش را برای نشر آماده کرده اند.

قانونی ساختن سرکوب

بررسی قانون جدید مجازات اسلامی ایران

در ژانویه 2012 شورای نگهبان، یک نهاد غیر انتخابی که شامل 12 عضو فقیه و حقوقدان می‌باشد و مسئولیت بررسی تمام لوایح و قوانین کشور را جهت سازگاری با قانون اساسی کشور و شریعت به عهده دارد، متن نهایی اصلاح شده قانون مجازات اسلامی را تایید نمود. در حالی که رئیس جمهور ایران محمود احمدی نژاد لایحه قانون مجازات اسلامی را هنوز امضاء نکرده است، مقامات دولتی لایحه قانون مجازات اسلامی را قانون جدید و پیشرفته‌ای تعریف کرده و اصلاحات قانون فعلی را به عنوان نشانه‌ای از تلاش‌های جدی ایران برای رعایت تعهدهای خود در قبال قوانین بین الملل و حقوق بشر شناخته‌اند.

با وجود این، گزارش «قانونی ساختن سرکوب» که به بررسی لایحه قانون مجازات اسلامی می‌پردازد نشان می‌دهد که مواد جدید این قانون که توسط قانون گذاران ایرانی تصویب و تایید شده است نمی‌تواند نگرانی‌های جدی جامعه بین الملل نسبت به نقض حقوق مجرمین طی دوران دادخواهی را کاهش دهد. بسیاری از مواد قانون فعلی مجازات اسلامی که سابقاً با قوانین بین الملل و حقوق بشر در تناقض بوده‌اند در قانون جدید نیز بدون تغییر باقی مانده‌اند، و بعضی از اصلاحات باعث تضعیف بیشتر حقوق مجرمین می‌باشند. مواد دیگری که به قول مقامات نشاندهنده بهبود چشمگیر قانون فعلی هستند در حقیقت به قضات اجازه می‌دهند تا احکام مجازاتی که به وضوح منجر به نقض حقوق متهمین می‌شوند را صادر کنند.

این گزارش نشان می‌دهد که، در میان بسیاری از کمبودهای قانون جدید، لایحه قانون مجازات اسلامی مجازات اعدام را برای مجرمین کودک حذف نکرده است؛ در بعضی مواقع قوانینی که شامل مجازات سنگین مانند اعدام می‌شوند را تعریف یا تدوین ننموده است؛ به استفاده از مواد مبهم و بیش از حد که تحت عنوان قوانین امنیت ملی برخورداری از حقوق اساسی را جرم شناخته‌اند ادامه می‌دهد؛ مجازاتی که به شکنجه یا رفتار ظالمانه و غیرانسانی مجرمین مانند سنگسار، شلاق زدن، و قطع عضو بدن می‌انجامد را نگه داشته است؛ و مواد تبعیض گرایانه علیه زنان و اقلیت‌های مذهبی را نیز ابقا کرده است. گزارش «قانونی ساختن سرکوب» از دولت ایران درخواست می‌کند که قبل از اجرای قانون جدید مجازات اسلامی این مشکلات قانونی را جبران و رفع کند.

یک مأمور پلیس ایران که صورت خود را پوشش داده برای اعدام یک مجرم در ملاء عام خود را آماده می‌کند. این مجرم در تهران در روز 2 اوت 2007 به دار آویخته شد.

© 2007 Reuters

